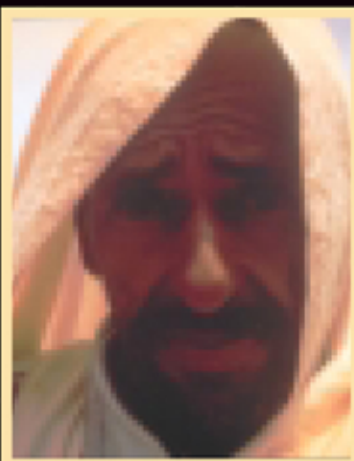


هوج گسترش کلیسا



دیود گریسون

مترجم محمد ثانوی

موج گسترش کلیسا

نوشته: دیوید گری سون

برگردان بفارسی: محمد ثانوی

کلیه حقوق این اثر محفوظ است.

کانون کتابمقدس

هدف کانون کتاب مقدس:

آماده سازی و تجهیز مردان و زنانی است
که توسط کلیسای محلی به عنوان
خدمت گذاران با صلاحیت تشخیص داده
شده اند تا خدمت آموزش و
شاگردسازی بدن مسیح را با انجام رسانند.



www.kanoneketab.com



کانون کتاب <https://t.me/Kanonketab>



[کانون کتاب مقدس](#)



[کانون کتاب مقدس](#)



[کانون کتاب مقدس](#)



حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای موسسه کانون کتاب مقدس محفوظ است. هرگونه نسخه برداری الکترونیک، صوتی، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مؤلف و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

موج گسترش کلیسا
به قلم: دیود گریسون
برگردان به فارسی: محمد ثانوی
ناشر: کانون کتابمقدس
چاپ اول: ۲۰۰۱
چاپ دوم: ۲۰۱۲

برای دریافت فایل صوتی و دیگر کتب از سایت ما دیدن فرمایید.



www.kanoneketab.com



کانون کتاب <https://t.me/Kanonketab>



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



هدف کانون کتاب مقدس:

آهاده سازی و تجهيز مردان و زنانی است
که توسط کلیسای محلی به عنوان
خدمت گذاران با صلاحیت تشخیص داده
شده اند تا خدمت آموزش و
شاگرد سازی بدن مسیح را با انجام رسانند.



www.kanoneketab.com



کانون کتاب <https://t.me/Kanonketab>



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای موسسه کانون کتاب مقدس محفوظ است.
هرگونه نسخه برداری الکترونیک، صوتی، چاپ، توزیع و دخل تصرف در این اثر
بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مؤلف و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر
است.

فهرست

۵	مقدمه مترجم
۷	مقدمه
۱۲	فصل اول موج گسترش کلیسا یعنی چه؟
۱۶	فصل دوم نگاهی نزدیک به موج گسترش کلیسا
۴۳	فصل سوم ده عنصر جهانی
۴۸	فصل چهارم ده عامل مشترک
۵۳	فصل پنجم ده تجربه مفید
۵۸	فصل ششم سؤال و جواب
۶۲	فصل هفتم موانع موج گسترش کلیسا
۶۸	فصل هشتم چند فوت و فن برای تنظیم کار
۷۳	فصل نهم موج گسترش کلیسا برای جهان
۷۵	واژه نامه

مقدمه مترجم

خواهر و برادر گرامی

از اینکه تصمیم گرفته‌اید این کتابچه را مطالعه کنید، خوشحالم و امیدوارم بعد از اتمام آن نکات مناسب حال کلیسا و شهرتان را برای بنای کلیسای خداوند بکار گیرید. لازم دانستم قبل از مطالعه این کتابچه مطلبی را خدمتتان عنوان کنم. فرمان عیسی قبل از صعودش به آسمان این بود که نه تنها رفته و مردم را شاگردان او سازیم بلکه آنها را نیز تعلیم دهیم تا دستورات مسیح را حفظ کرده و در زندگی خود بکار گیرند. (متی ۲۸: ۱۹-۲۰) این سخنان ارزشمند عیسی مسیح اصل شاگردسازی را به ما ایمانداران آموزش می‌دهد. اگر این اصل را هنگام بنای کلیسا در خدمت‌مان حفظ کنیم، بطور حتم کلیسایی که برپا شود در چهار چوب کلام و روی صخره، که خداوندمان عیسی است، بنا می‌شود. سهل انگاری در اصل شاگردسازی، هنگام گسترش کلیسا موجب می‌شود که ما فقط انسان‌ها را دورهم جمع کرده و نام «کلیسا»، «کلیسای خانگی» و یا «مشارکت» را روی آنها بگذاریم. بکار نبستن این رکن اساسی در بنای کلیسا باعث تأسیس انجمن انسان‌های همفکر و همنظر می‌شود تا کلیسای راستین خداوند.

این کتاب گزارش کامل از کارهای خدا نیست، بلکه گزارشی از

فعالیت‌های یک فرقه خاص در سراسر دنیاست.

در خاتمه دعایم برای شما برادر و خواهر گرامی، پاکی و نجات روز افزون

در زندگی روزانه و هدایت‌های روح القدس در امر گسترش کلام راستی در

خدمت‌های بشارتی شماست. فیض خداوندمان عیسی مسیح با شما باد.

بخاطر محبت مسیح

م. ثانوی

مقدمه

از گوشه و کنار دنیا خبرهایی به دستمان می‌رسید. در ابتدا تعداد این خبرها کم، اما بتدریج به تعداد آنها افزوده می‌شد. هر یک از خبرها ارقام تکان دهنده‌ای را بیان می‌کردند که حاکی از ایمان آوردن صدها، هزارها و حتی گاهی بیش از ده‌ها هزار نفر به عیسی مسیح بود. این افراد بعد از ایمان آوردن گرد هم جمع شده و شکل کلیسا را به خود گرفته و سپس ایمان جدید خود را به شهرهای اطراف گسترش می‌دهند.

جنوب غربی آسیا

در سال ۱۹۹۳ وقتی مسئول بشارت آن ناحیه کار خود را آغاز کرد، تعداد کلیساهای منطقه فقط ۳ واحد و تنها ۸۵ ایماندار بین جمعیت ۷ میلیون نفری وجود داشت. چهار سال بعد تعداد کلیساهای آن ناحیه به بیش از ۵۵۰ واحد و تعداد ایمانداران به ۵۵ هزار نفر رسید.

شمال آفریقا

یکی از روحانیون مسلمان شمال آفریقا در خطبه نماز جمعه از مسیحی شدن ۱۰ هزار نفر مسلمان ساکن در کوه‌های اطراف آن ناحیه، لب به شکایت گشود.

شهری در چین

ظرف ۴ سال (۱۹۹۳-۱۹۹۷)، بیش از ۲۰ هزار نفر به مسیح ایمان آوردند که نتیجه آن تشکیل بیش از ۵۰۰ کلیسای جدید بود. آمریکای لاتین

دو اتحادیه کلیساهای تعمیدی با توجه به مخالفت‌های دولت آن کشور، توانستند از ۲۳۵ کلیسا در سال ۱۹۹۰ به تعداد بیش از ۳۲۰۰ کلیسا در سال ۱۹۹۸ برسند.

آسیای مرکزی

مسئول گروه بشارت این ناحیه بیان کرد: «در اواخر ۱۹۹۶ با کلیساهای مختلفی تماس گرفتیم تا شمار ایمان آوردن افراد در طول سال را تهیه کنیم. رقم بدست آمده ۱۵ هزار نفر بود که سال قبل از آن این رقم به ۲۰۰ نفر می‌رسید.»



غرب اروپا

در گزارش خبری مبشری در اروپا آمده است که: «سال گذشته (۱۹۹۸)، من و همسرم در ایجاد ۱۵ کلیسای خانگی نقش داشتیم. مدت ۶ ماه از محل خدمتتان دور بودیم. هنگام مراجعت در ماه جولای با موضوع غیرقابل باوری مواجه شدیم. از وجود ۳۰ کلیسای جدید دیگر مطلع شدیم، اما یقین دارم که رقم واقعی بیش از ۲ تا ۳ برابر است.»

اتیوپی

مسئول بشارت اتیوپی عنوان می‌کند: «۳۰ سال طول کشید تا توانستیم ۴ کلیسا در این کشور برپا کنیم، اما در طول ۹ ماه گذشته ۶۵ کلیسای خانگی برپا شد.»

در هر گوشه‌ای از جهان هستی نبض موج گسترش کلیسا به نوعی در طپش است. گاهی اوقات ما فقط ارقام این گسترش را می‌شنویم، اما اغلب اوقات خبرها همراه با داستان‌های مفصل و زنده‌ای از گسترش کلیسا هستند. در یکی از این خبرها آمده است که: «تمام کلیساهای خانگیمان دارای شبان و رهبران محلی است که مسئولیت خدمت را به آنها داده‌ایم. اشتیاق مردم به حدی است که در عرض مدت کوتاهی، خدا شخصی را از میان ایمانداران برای هدایت جمع برمی‌انگیزد. بنظر می‌رسد رهبران جدید هم از ایمان واقعی به مسیح و هم از روحیه خدمت کردن برخوردار هستند. این افراد آنچنان با حرارت هستند که به راحتی نمی‌توان آنها را از این خدمت دور نگه داشت. آنها به اطراف کشور رفته و دیگران را تعلیم می‌دهند. بعد از گذشت مدتی ما از وجود این جلسات با خبر شدیم، این پر شورترین چیزی است که تا به حال دیده‌ایم. ما باعث شروع نبودیم و نمی‌توانیم آن را متوقف کنیم.»

در ورای این شور و شوق، عده‌ای از مبشرین خدمتشان را همراه با انبوهی از سؤالات نیمه کاره رها می‌کنند. بسیاری از این مبشرین هیچ موجی از گسترش کلیسا را به چشم خود ندیده‌اند. رؤیای تمام مبشرین این است که به چشم خود ایمان آوردن مردم منطقه خدمت خود را ببینند. در ذهن هر مبشر

تصویری از انبوه مردم منتظری وجود دارد تا پیام مسیح را شنیده و ایمان آورند. این اشتیاق قلبی هر مبشری در سراسر جهان است.

ظرف ۴ سال (۱۹۹۳-۱۹۹۷)، بیش از ۲۰۰۰ نفر به مسیح ایمان آوردند که نتیجه آن تشکیل بیش از ۵۰۰ کلیسای جدید بود.

این موج گسترش کلیسا چیست؟ این پدیده‌ای که ما را این چنین فریفته خود ساخته چگونه است؟ چرا این پدیده در این مقطع از زمان رخ می‌دهد؟ آیا این پدیده چیزی جدید است، یا اینکه از قبل همراه ما بوده است؟ علت‌های وقوع آن چیست؟ آیا چیزی تصادفیست، یا اینکه از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است؟ آیا می‌توان باعث رونق آن شد؟

اینها سؤالاتی سخت هستند که تعداد بی‌شماری از مبشرین و مسئولین هماهنگی فعالیت‌های بشارتی از خود می‌پرسند که شاید طبیعت واقعی این گسترش ناگهانی کلیسا را درک کنند. سؤالات سخت همیشه جواب‌های مفیدی همراه دارد. در واقع این سؤالات و جواب‌ها موضوع اصلی این کتابچه است.

ما از تعدادی مبشر، مسئولین هماهنگی فعالیت‌های بشارتی و اشخاصی که در رشد و گسترش کلیسا تجربه دارند، سؤالات زیادی کردیم تا بر اساس تجربه کاریشان، جواب‌ها را بدست آوریم. سپس تمامی اطلاعات را برای بررسی، تجزیه و تحلیل گرد هم آوردیم تا بتوانیم این فراست را از بینشان استخراج کنیم.

از ابتدا قصد داشتیم تا عامل‌های کلیدی ایجاد این پدیده و در عین حال موانع جلودار آن را مجزا کنیم. هنگام گفتگو از این عده خواستیم تا مراحل عملی بنیان نهادن موج گسترش کلیسا، که باعث افزایش تعداد

کلیساهای می شود را تهیه کنند. نویسنده مرهون آن عده از مبشرین و همکاران است.

هدف‌های این کتابچه به این قرار است: (۱) تعریف مفهوم موج گسترش کلیسا؛ (۲) تشخیص صفات جهانی‌ش؛ (۳) آزمودن موانع مشترک؛ (۴) تحلیل و بررسی بعضی از این موج‌ها در زمینه‌ای وسیع؛ (۵) تهیه چند قدم عملی ساده برای ایجاد موج گسترش کلیسا و (۶) جواب به تعدادی از سؤالاتی در همین زمینه.

تمام مثال‌های ذکر شده در این کتاب وقایعی هستند که از سراسر دنیا جمع‌آوری شده است. بعضی از این نمونه‌ها از کشورهای هستند که برای اعلان انجیل مانعی وجود ندارد. اما بعضی از نمونه‌ها از کشورهای آمده که مسیحیان یا تحت فشار هستند و یا حتی مسیحیت ممنوع است. لذا برای حفظ امنیت از نام‌های مستعار برای افراد و مناطق استفاده می‌کنیم.

لازم به ذکر است که در این کتابچه ما سعی بر اثبات نظریه‌ای نداریم و حتی الگویی را ارائه نمی‌دهیم که در مراحل مختلف با اجبار پیاده‌اش سازیم. مطالب عنوان شده در این کتابچه بخشی از مجموعه ایست که ما شاهد آن بوده و از آن درس گرفته‌ایم. مبادی و اصول بدست آمده همه از اشخاصی حقیقی که خود در این گسترش شرکت داشته، استنباط شده است. برای اینکه بتوانیم تا حد امکان تصویر روشنی در ذهن شما ایجاد کنیم، شما را از موردهای مکرر و غیر معمول، آگاه خواهیم کرد.

دعا می‌کنیم، درحالی که همه ما در تلاشیم تا از کاری که خدا مشغول به آن است اطلاع پیدا کنیم و در همان راستا جایگاه خود را یافته و خدا را در جهت گسترش کلیسا در بین تمام ملل دنیا، خدمت کنیم. امیدواریم این کتابچه وسیله‌ای مفید برای مأموریت شما مبشر و خادم گرامی باشد.

فصل ۱ موج گسترش کلیسا یعنی چه؟

در سال ۱۹۹۸ هیئت رهبران فعالیت‌های بشارتی برون مرزی شعاری را برای خودشان انتخاب کردند: ما گمشدگانی که به عیسی مسیح ایمان می‌آورند را با آغاز موج گسترش کلیساهای فعال مجهز می‌کنیم. این شعاریست که ۵/۰۰۰ مبشر کلیساهای تعمیدی، که در بیش از ۱۵۰ کشور خدمت می‌کنند را هدایت می‌کند.

با این تفسیر موج گسترش کلیسا چیست؟ این حرکت یعنی افزایش سریع و چند برابر شدن کلیساهای منطقه‌ای توسط ایمانداران محلی است.



در این تعریف چند کلید مهم وجود دارد. اولین آن رشد سریع است، همانند هر حرکتی، لازمه موج گسترش کلیسا، رشد سریع در بنیانگذاری کلیساهای جدید است. اشباع شدن کلیساهای در طول سال‌ها و قرن‌ها امر مثبتی است، اما به معنی موج گسترش کلیسا نیست.

در ثانی، رشد تعداد کلیساهای می‌بایستی روند تصاعدی داشته باشد. اضافه شدن چند کلیسا ظرف یکسال به معنی موج گسترش کلیسا نیست بلکه زمانی میسر می‌باشد که ۲ کلیسا به ۴ کلیسا و ۴ به ۸ و ۸ به ۱۰ و ... تبدیل می‌شود. این افزایش بیشتر هنگامی میسر است که این کلیساهای توسط جمع ایمانداران صورت گیرد تا توسط متخصصین امر و یا مبشرین باتجربه.

و بالاخره این کلیساهای بومی هستند و از نیروهای درونی تشکیل می‌شود. این بدین معنی نیست که مژده نجات خود به خود بین اقوام ظاهر می‌شود. مژده نجات همیشه از بیرون وارد قومی می‌شود. در واقع این همان تکلیف شاهدان مسیح است که مژده نجات را به هر قوم و طایفه برسانند، اما در موج گسترش کلیسا، پیشرفت کلیسا بین هر قوم توسط ایمانداران همان قوم صورت می‌گیرد. در هر حال حجم کمیت این حرکت بستگی به پیشقدمی و عکسل العمل مردم هر ناحیه دارد تا به محرکه‌های خارجی.

اگر این مفهوم کامل نیست، می‌توان عکس قضیه را عنوان کرد تا مطلب روشن شود. موج گسترش کلیسا ورای آن دسته از بشارتهایی که نتیجه آن به خود کلیسا برگردد است. هر چند که این نوع بشارتها بخشی از حرکت محسوب می‌شود، اما هدف نهایی چیزی بیشتر از رشد یک کلیسا است. بانی کلیسا که با برقراری یکی و دو کلیسا ارضا می‌شود، نمی‌تواند این پدیده را به چشم ببیند، چرا که دگرگونی‌های گسترده‌ای لازم است تا هر کلیسا در تشکیل کلیساهای دیگر نقش داشته باشد و بتوان مژده انجیل را به تمام مردم یک مملکت رساند.

موج گسترش کلیسا یعنی افزایش سریع
و چند برابر شدن کلیساهای منطقه‌ای
توسط ایمانداران محلی.

مفهوم واقعی موج گسترش کلیسا بیش از احیاء شدن کلیسا است. هر چند که احیاء شدن هر کلیسا پسندیده و نیکوست، اما بمعنی موج گسترش کلیسا نیست. بشارتهای گروهی و برنامه‌های که هزاران نفر را پیرو مسیح می‌سازد عالیت، اما موج گسترش کلیسا نیست. خصوصیت چنین پدیده‌ای این است که کلیسا قادر است با نیروهای درونی کلیساهای دیگری را بنیانگذاری کند. مشابه موج گسترش کلیسا این است که وقتی بانیان کلیسایی تلاش در تشکیل چندین کلیسا می‌کنند، البته این مثال خود به تنهایی موج گسترش کلیسا نیست ولی یکی از روش‌های عالی گسترش کلیسا در بین جمعیت یک ناحیه هم فرهنگ است. اما در این روش شتاب رشد کلیساها به بانیان بستگی دارد.

بالاخره موج گسترش کلیسا در خودش ختم نمی‌شود. تمام زحمات ما این است که در انتها خدا جلال یابد. هنگامی ما قادریم اینکار را انجام دهیم که هر فرد بنوبه خود در رابطه پاک و بی‌آلایش با خدا توسط عیسی مسیح، قرار گیرد. با انجام این کار می‌توانیم، با دیگر ایمانداران هم‌فکر آمیخته شویم و کلیسا در فیض خدا رشد کند. هر وقت شخصی به عیسی مسیح ایمان می‌آورد، خدا جلال می‌یابد. هر زمان کلیسای تأسیس می‌شود باید جشن گرفت. (مهم نیست مسببش چه کسی است.)

چرا موج گسترش کلیسا استثنایی است؟ بنظر می‌رسد این حرکت بالاترین ارقام گمشدگان نجات یافته را به خود اختصاص داده است. افرادی که توسط ایمان به مسیح و مشارکت در ایمان، خدا را جلال می‌دهند.

به هر حال موج گسترش کلیسا به مفهوم بالا رفتن تعداد کلیساها نیست، اگر چه این کار عالیت. این حرکت وقتی ایجاد می‌شود که بیشترین و مسئولین، این بینش را در وجود ایمانداران جای دهند. در واقع با این عمل ایمانداران گمشدگان را صید کرده و باعث رشد کلیسا می‌شوند.

اجازه دهید یک‌بار دیگر بعضی از نکات کلیدی را بازبینی کنیم. بیشترین و بانیان کلیسا توانا هستند، اما تعدادشان محدود است و در نتیجه بازدهی کار محدود می‌شود. بازدهی ایمانداران کلیسا برای پایه‌گذاری کلیساهای جدید بیشتر است، چرا که تعداد ایمانداران از تعداد بیشترین و



بانیان بیشتر است. در موج گسترش کلیسا نیروی بیشتری ذخیره شده است، چرا که در این حرکت هر کلیسا در برپایی کلیساهای دیگری نقش دارد و در انتها تعداد بی شماری کلیسا به چشم می خورد.

برای درک بهتر این مطلب اجازه دهید تعدادی از موردهای زنده را مو شکافی کنیم.

فصل ۲ نگاهی نزدیک به موج‌های گسترش کلیسا

در حال حاضر مبشرین در هر گوشه و کنار دنیا در حال فعالیت در گسترش کلیسا هستند و عده‌ای در مراحل ابتدای و عده‌ای دیگر در اواسط آن نقش خود را ایفا می‌کنند. هر یک از این حرکت‌ها با دیگری متفاوت است اما، هر کدام تأثیر مخصوص خود را در زندگی مبشرین می‌گذارد.

با وجود این تفاوت‌ها وجه اشتراکی بین آنها نمایان است. در مثال‌های ذیل برایتان عنوان می‌کنیم که چگونه مبشرین وارد این جریان‌ها شده‌اند. تعدادی از این افراد از ابتدای حرکت مشغول به فعالیت بودند و عده‌ای دیگر در بین راه ملحق شدند. در هر نمونه درس‌های مفیدی وجود دارد که شاید الهام بخش برای موقعیت‌های مشابه باشد.

یکی از کشورهای آمریکای لاتین

وضعیت کشور

مردم این کشور همانند دیگر کشورهای آمریکای لاتین مرکب از نژادهای اروپایی، اسپانیایی و آفریقایی است. نظام استبدادی کشور برای چند دهه موجب فقر اقتصادی و محدودیت آزادی فردی گردیده است. هر چند مردم در فقر مادی بسر می‌برند اما با مقایسه با دیگر کشورهای آمریکای لاتین نسبتاً مردمی تحصیل کرده هستند و ۹۰ درصد جمعیت کشور باسواد می‌باشند.



بیش از ۹۵ درصد از جمعیت کشور اسماً مسیحی کاتولیک‌اند. مدت ۲۵ سال دولت آزادی‌های مذهبی را تحت فشار قرار داد. در سال ۱۹۹۱ فشار اقتصادی و آزادی مذهبی رو به کاهش رفت. هنوز آزادی مذهب بطور کامل وجود ندارد، اما وضعیت کشور روبه سامان است.

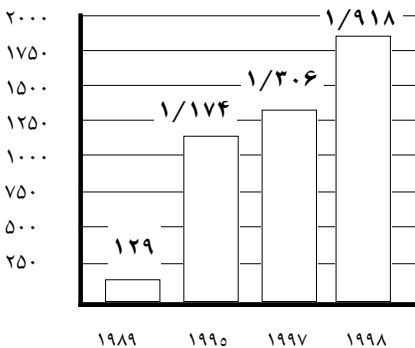
کلیساهای تعمیدی فعالیت بشارتی خود را بیش از یک قرن در این کشور شروع کردند. بیش از ۷۵ سال تلاش موجب تأسیس چندین کلیسا شد و بسیاری از ایمانداران جهت خدمت رهبری کلیساهای تربیت شدند. در این مدت هیئتی جهت اتحادیه کلیساهای با بیش از ۳/۰۰۰ نفر عضو ترتیب داده شد. به دنبال کودتای نظامی تمام خادمین خارجی دستگیر و راهی زندان شدند و بعد از مدتی از کشور اخراج گردیدند. در این ماجرا نیمی از اعضا و اکثر رهبران کلیساهای کشور را ترک کردند. برای چندین دهه تهدیدات فراوانی نسبت به کلیساهای صورت گرفت تا شاید کلیسا بطور کل محو شود. در سراسر کشور مومنین تحت جفا، زندان و شکنجه بودند. در همین دوران اسقامت بود که تعداد ایمانداران به مسیح افزایش پیدا کرد.

رویدادها

بعد از خروج خادمین خارجی از کشور، کلیساهای تعمیدی کل کشور برای پیشرفت خدمت به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شدند. با وجود این تقسیم بندی در دهه ۱۹۹۰ در هر دو گروه موج های گسترش کلیسا آغاز شد.

در سال ۱۹۸۹ اعضای کلیساهای شمالی به سختی به ۵/۸۰۰ نفر می رسید. در همان سال ناگهان کلیسا با بیداری روحانی مواجه شد و به رشد پنج و سه دهم درصد و سال بعد شش و نه دهم درصد رسید. تا پایان دهه ۱۹۹۰ اعضای کلیساهای شمال کشور از ۵/۸۰۰ نفر به ۱۴/۰۰۰ نفر رسید. در همین مدت تعداد کلیساها از ۱۰۰ کلیسا به ۱/۳۴۰ کلیسا افزایش یافت. در خبرهای اخیر اطلاع پیدا کردیم که این درصد رشد در حال کاهش است، اما هم اکنون بیش از ۳۸/۰۰۰ ایماندار در همین کلیساها منتظر گرفتن تعمید هستند.

در ناحیه جنوبی کشور همین واقعه در حال وقوع است. در سال ۱۹۸۹ فقط ۱۲۹ کلیسا با ۷/۰۰۰ ایماندار وجود داشت. در همان سال تعداد



۵۰۰ نوایمان تعمید گرفتند. در سال ۱۹۹۸ تعداد ایمانداران حدود ۱۶/۰۰۰ نفر رسید که سالانه بیش از ۲/۰۰۰ نفر نوایمان به جمع کلیسا افزوده شد. در این دوره ده ساله تعداد ۱۲۹ کلیسا به ۱/۹۱۸ کلیسا رسید، یعنی در عرض مدت ده سال ۱/۷۸۹ کلیسای جدید تأسیس شد.

کلیساهای اتحادیه جنوبی

عامل های کلیدی

موج گسترش کلیسای آمریکای لاتین شامل چندین عامل مهم بود. خادمین غیربومی توانستند در گسترش کلیسا نقش های حیاتی را ایفا کنند.

اولین نقش آنها معرفی انجیل عیسی مسیح برای اولین بار به مردم آنجا بود. بعد از بشارت دادن و ایمان آوردن آنها چند کلیسای استوار بر چهار چوب کلام خدا تأسیس شد. زمانی که خادمین غیربومی از کشور اخراج شدند، کلیسا بر سر دو راهی قرار گرفت: یا باید خود افراد بومی کلیسا را اداره می کردند و یا از بین می رفتند. بعد از گذشت چند سال ارتباط کلیسا با مسیحیان خارج از کشور قطع شد و کمک های مالی جهت بنای ساختمان کلیسا و شبانان به حداقل رسید.

در طول سال های انزوا رسانه های ارتباط جمعی با پخش برنامه های رادیویی خدمت خود را آغاز کردند. مسیحیان در گوشه و کنار دنیا با دعا های مستمر شبانه روزی مؤمنین و گمشدگان داخل کشور را حمایت کردند.

وقتی همکاران ما در دهه ۱۹۸۰ با این کلیساها ارتباط برقرار کردند، ایمان عمیقی در قلوب ایمانداران تحت فشار مشاهده کردند. در این زمان خادمین غیربومی حرکت مهم دوم خود را انجام دادند. این بار با برپایی جلسات دعا، شاگرد سازی، تعلیمات رهبری در خدمات بشارتی و شناساندن کلیساهای خانگی نقش خود را ایفا کردند. این تعلیمات همگی دور از تحمیل هر نوع روش غیر بومی بود.

عوامل و صفات دیگری در این موج گسترش کلیسا وجود داشت. از همان ابتدا کلام خدا و پرستش دست جمعی به زبان مادری افراد بود. به دلیل بالا بودن آمار باسوادان، کتاب مقدس تبدیل به مآخذ زندگی اجتماعی و روحانی افراد گردید.

یکی دیگر از کلیدهای اجرایی، دعا بود. در این حرکت ایمانداران خود را «زنان و زدهگان» معرفی کردند. دعا، زندگی روزانه و جلسات پرستشی را پُر ساخته بود. مردم جامعه همه عاشق آواز خواندن بودند و به زودی انعکاس ایمانشان در سرودهای روحانی که در جلسات پرستشی سرانیده می شد، مشاهده شد. این سرودها و تمجیدها همه به زبان محلی بود. یکی از رهبران

کلیسا موسیقی و سرودهای روحانی را این طور معرفی کرد: «سرود طریقی برای جنگ روحانی با جهان بی ایمان است.»

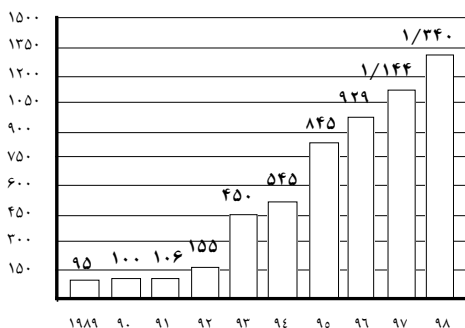
بحران شدید اقتصادی در سال ۱۹۹۲ باعث شد ایمانداران نتوانند از پس مخارج ایاب و ذهاب به کلیسا برآیند. بدین ترتیب مجدداً کلیسا بر سر دو راهی قرار گرفت و چاره‌ای جز انتخاب یکی از این دو راه را نداشت: ایمانداران می‌بایستی یا از کلیسا کناره‌گیری می‌کردند، یا با ذهنی باز با مشکل مقابله می‌کردند. آنها راه دوم را انتخاب کردند. ایمانداران جلسات کلیسایی را در خانه‌هایشان برگزار کردند و بعد از مدتی با رشد شتابان تعداد ایمانداران در جلسات خانگی مواجه شدند. در این زمان بود که مبشر غیربومی نقش مهم دیگری را بازی کردند. آنها روش‌های جلسات خانگی را به ایمانداران معرفی کردند، روشی که امروزه در سراسر دنیا برگزار می‌شود. سال اول (۱۹۹۲-۹۳)، ایمانداران ناحیه شمالی کشور توانستند ۲۳۷ کلیسای خانگی را افتتاح کنند.

پایین آمدن وضع اقتصاد و مبهم بودن آینده باعث ایجاد محیطی آماده برای خدمت شد. گفتگو با مردمی که تحت فشار اقتصادی قرار گرفته بودند هر روز آسانتر می‌شد و حتی گاهی اوقات ضروری بنظر می‌رسید؛ چرا که یأس و ناامیدی تار و پود جامعه را در خود فرا گرفته بود.

در طول این آشفتگی رهبران کلیساها جماعت ایماندار را تشویق کردند تا تعدادی مبشر غیرتمندی را جهت نجات هم‌وطنان خود به خدمت فرا خوانده و تمام مایحتاج این مبشرین را فراهم آورند. اواسط دهه ۹۰ بود که مدرسه تربیت مبشر با دوره‌ای یکساله توسط کلیساهای ناحیه شمالی آغاز به کار کرد. در سال ۱۹۹۸ تعداد ۱۱۰ مبشر فارغ التحصیل شدند و ۴۰ نفر دیگر در حال درس خواندن بودند. ناحیه شمالی و جنوبی قادر بودند تا تعداد ۸۰۰ کلیسای خانگی را در سراسر کشور گسترش دهند. بعد از دو سال رهبران کلیساها خبر دادند که صدها نفر اعلام کرده‌اند که خدا آنها را به خدمت فراخوانده است. امروز موج گسترش کلیسا آنچنان پایدار است که اثر شدیدی بر تمامی آمریکای لاتین و تمام جهان خواهد گذاشت.

موردهای استثنایی

اگر چه این کشور مشمول الطاف خداوندی قرار گرفته است، اما



کلیساهای اتحادیه شمالی

موردهای ناخوش آیندی هم وجود دارد. مشخص شد که تعداد ۳۸/۰۰۰ نفر ایماندار که بطور مرتب در جلسات پرستشی ناحیه شمالی شرکت می کنند هنوز تعمید نگرفته اند و تعداد ۲/۸۰۰ نفر دیگر در کلاس های تعمید شرکت می کنند. چرا تعمید

عضوهای جدید دست به دست می شود؟

رهبر کلیسایی در جواب گفت: «قبل از اینکه کشور ما به روی خادمین خارجی بسته شود، کمک های مالی برای ساختن ۶ واحد ساختمان از خارج رسید. ۲۰ سال پیش یکی از کلیساها سر اختلاف اصول اعتقادی از ما جدا شد و ما یکی از ساختمان های خود را از دست دادیم. از آن زمان به بعد ما درس گرفتیم تا محتاط باشیم و هر کسی را عضو خود نساژیم که مبادا مابقی آنچه که داریم را از ما بگیرند.»

نکته های درسی

۱. همزمان با فشار دولت کلیسا به سمت کلیساهای خانگی نقل مکان کرد. این کار باعث شد تا تعداد حق جویمان به گنجایش ساختمان کلیسا محدود نشود بلکه انجیل توسط شاهدان به درون جامعه نفوذ پیدا کند.
۲. با کمک و تشویق مشایخ اتحادیه بود که کلیسا به سمت کلیسای خانگی رفت، هر چند این امر باعث تقلیل قدرشان در کلیسا می شد.
۳. فشار دولت موجب جدا شدن ایمانداران ظاهری از کلیسا شد. در همان هنگام رهبران رده بالای کلیساهای سلسله مراتبی، توسط دولت از بین می رفتند، اما فقدان این سلسله مراتب در کلیساهای تعمیدی بقای کلیسا را تضمین می کرد.

۴. خادمین غیرومی در این زمینه نقش‌های کلیدی داشتند. نقش آنها از این قرار بود؛ معرفی انجیل برای بار اول؛ تشویق بینش موج گسترش کلیسا؛ شناساندن کلیسای خانگی و حفاظت از وابسته بودن کلیساها به کمک‌های مالی ایمانداران خارج از کشور.
۵. تعلیم و تجهیز مدرسه الهیات یکی از عامل‌های پراکنده شدن انجیل به سراسر کشور بود.

چین

وضعیت کشور

در اوایل دهه ۱۹۹۰ تحولات عظیم اجتماعی، از جمله پیشرفت سریع اقتصادی موجب دو قطبی شدن جامعه گردید. رشد سریع صنعت شهر سازی و شهر نشینی، بافت دیرینه خانواده‌ها و پیوستگی جامعه را از هم گسیخت. مردم در سراسر کشور مشتاقانه منتظر پیدا کردن جانشینی به جای اصول اعتقادی مذهب مائوئیسم بودند. اعتقاداتی که افکارشان را مدت ۴۰ سال اشغال کرده بود.

نظریه‌های جدید از هر سو سرازیر می‌شد و برای خود هواداران و مخالفانی پیدا می‌کرد. جنبش دانشجویان طرفدار دموکراسی آغاز شد و بعد از مدتی به زد و خورد منتهی شد. نقطه اوج این جنبش با برخورد شدید نیروهای دولتی بود که در سال ۱۹۸۹ در میدان تیانانمن صورت گرفت. بعد از این برخورد جوانان امید بهسازی سیاست کشور را از دست دادند، اما در عین حال آنها به دنبال امیدی جدید برای آینده‌ای بهتر بودند.

رویدادها

در همین اوضاع و احوال در سال ۱۹۹۱ شخصی مسئولیت خدمت بشارت ناحیه‌ای در چین را به عهده گرفت. اجازه دهید ما این منطقه را به دلیل امنیتی به اسم مستعار یانین به شما معرفی کنیم. این مبشر در طول مدت یک سال که زبان محلی و آداب و رسوم ناحیه را مطالعه می‌کرد، توانست

موقعیت اجتماعی و طبقاتی این مردم را تجزیه و تحلیل کند. نتیجه کار این بود که این ناحیه دارای ۷ میلیون نفر جمعیت که به پنج شاخه تقسیم شده و در مناطق شهری و روستایی زندگی می کنند. سپس مرکز تراکم هر شاخه را مشخص کرد و بعد از آن چندین مبشر را جهت تحقیق روانه ساخت. آنها چندین بار با شکست مواجه شدند اما بعد از شکست های متمادی بود که مسئول امر طرحی برای برقراری کلیسا و گسترش آن پیاده کرد که تأثیر مهمی روی جامعه گذاشت.

ایشان در همان بررسی های ابتدایی از وجود ۳ کلیسای خانگی که از ۸۵ عضو تشکیل می شد اطلاع پیدا کرد. این ایمانداران از قوم «هِن» چین بودند. اعضای کلیساها اکثراً مسن که سال ها عمر خود را بدون هیچ هدفی برای رشد و گسترش کلیسایشان سپری کرده بودند. در چهار سال اول به فیض خدا، مسئول کار کمک کرد تا انجیل در قلب های این ایمانداران تازه گردد و به سرعت تمام ناحیه یانین را فراگرفت.

این مبشر از فاصله فرهنگی بین خودش و یانین ها و همچنین مشکل زبان کاملاً اطلاع داشت. ایشان با آگاهی از این فاصله خادم های چینی سراسر



آسیا را بسیج کرد. با همکاری این خادمین چینی و گروه‌های کوچک ایمانداران توانستند در سال ۱۹۹۴ تعداد ۶ کلیسای جدید تأسیس کنند. سال بعد ۱۷ کلیسا و سال بعد از آن ۵۰ کلیسای دیگر شروع بکار کرد. تا سال ۱۹۹۷ یعنی ظرف سه سال تعداد ۱۹۵ کلیسا در سراسر ناحیه بنا شد. بدین ترتیب انجیل در تمام ناحیه در قلب هر پنج قوم یانین راه یافت.

در این مقطع از زمان، پیشرفت کلیسا آنچنان با سرعت بین مردم رشد می‌کرد که مسئول بشارت ناحیه می‌توانست بدون اینکه خللی در کار کلیسا ایجاد شود با خیالی آسوده از صحنه خارج شود. سال بعد در غیاب این شخص شمار کلیساهای سه برابر شد و تعدادشان به ۵۵۰ کلیسا رسید و تعداد ایمانداران بیش از ۵۵/۰۰۰ نفر افزایش یافت

عوامل‌های کلیدی

از سال ۱۹۹۷ زمانی که مسئول کار ناحیه یانین کشور چین را ترک نمود توجه شایانی به عوامل‌های ایجاد این حرکت که چنین گسترش سریعی داشته، نموده است. ایشان تک تک عوامل را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. مطمئنم که ما از این تجزیه و تحلیل نفع می‌بریم. سعی می‌کنیم آن را به‌طور خلاصه برایتان تشریح کنیم.

همانند هر خدمت دیگر، بشارت یانین‌ها با پشتوانه قوی دعا همراه بود. این دعاها حتی قبل از شروع اعلان خبر خوش مسیح بین آنها آغاز شده بود. دعا آنچنان تأثیر شدیدی بر مؤمنین گذاشت که بعدها یکی از شاخص‌های اصلی ایجاد کلیساهای جدید شد. در این حرکت، کلیساهای جدید تأسیس شده به تقلید از مبشرین، کلیسا را بر پایه دعا‌های مستمر بنا می‌کردند.

کلیدهای اصلی در آغاز این حرکت نحوه بشارت و تعلیم بود. علاوه بر اینها شتاب گسترش کلیسا با روش «دستچین» رونق پیدا کرد. در این کار از رسانه‌هایی همچون کاست صوتی و ویدئو و همچنین رادیو برای رساندن مژده انجیل استفاده شد. گروهی از ایمانداران افراد مشتاقی که با

رادیو در تماس بودند را «دستچین» کرده و با آنها حضوراً ارتباط برقرار می نمودند. بدین ترتیب خدمت برنامه رادیویی پشتیبانی می شد. در این نوع بذرافشانی همیشه حق جویان مشتاق را از نزدیک ملاقات می کردند و از آنها برای شرکت در جلسات کتابمقدس که بعدها این جلسات به کلیسای جدیدی تبدیل می شد، دعوت به عمل می آمد.

اجازه دهید نگاه نزدیکی به نحوه کار مسئول خدمت این ناحیه داشته باشیم. روش کار ایشان چنین بود. جلسات آنها به صورت مطالعه گروهی کتابمقدس بود. در این نوع جلسات حق جویان به مسیح ایمان آورده و این نوایمانان به عنوان کلیسای جدید به کار خود ادامه می دهند. «اطاعت» از کلام خدا تنها رمز موفقیت فردی و کلیسایی آنان بود. «هیئت رهبران» از لحاظ مالی وابسته به کلیسا نبودند و مخارج زندگیشان را از طریق کسب و کار تأمین می کنند. ساختار کلیساها از نوع «کلیساهای سلولی» که معمولاً بیش از ۱۵ نفر عضو نداشته و زمانی که تعداد ایمانداران بالا رود آنها خود را آماده آغاز کلیسای جدید دیگری می کنند. «کلیساهای خانگی» که

ابتدایی ترین جلسات

آشنایی با کلام و

تشکیل کلیسای خانگی

و یا سلولی بود.

مشخصه های ذکر شده

کمک می کند تا کلیسا

محتاج به کمک مالی از

سوی دیگران نباشد.

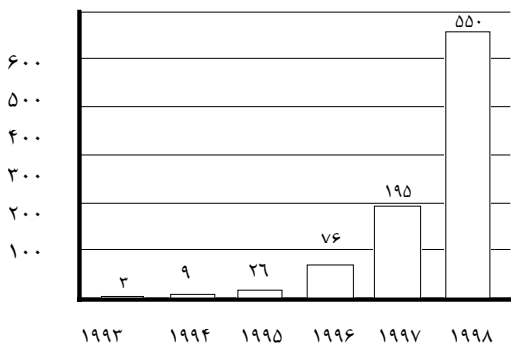
مسئول بشارت از همان

ابتدا سعی کرد تا

بشارت دادن را هدف

تمام مؤمنین یانین ها

بسازد. او تمام تحقیقات یک ساله خود را در اختیار مؤمنین آن ناحیه قرار داده و به آنها اطمینان داد که مسیح برای رساندن کلام به تمام اهالی ناحیه احتیاجاتشان را فراهم کرد.



کلیسای یانی

این برادر برای برپایی کلیساهای جدید طریق ذیل را به مؤمنین خدمتگذار تعلیم داد: الف) نمونه ب) همکاری ج) نظارت د) عزیمت. «نمونه» به نمایش گذاشتن وظیفه کلیسا نسبت به نوایمانان و حق جویان که در آینده خود آنها هسته کلیسای دیگری را تشکیل می دهند. «همکاری» یاری به جماعت جدیدی که شکل کلیسا را به خود می گیرد. «نظارت» یکی از قسمت های مهم و حساس کار است که نیازمند به تلاش شدیدی دارد. چرا که در این زمان کلیسای جدید بدون همکاری مستقیم از طرف مبشر، روی پای خود می ایستند. «عزیمت» یکی از مراحل جدی کار است که مبشر می بایستی مطمئن باشد که با رفتنش هیچ آسیبی به کلیسای نوپا وارد نمی شود و جماعت نو قادر است همین رویه را برای برپایی کلیسای دیگری دنبال کند.

در مدت کوتاهی مؤمنین یانین با پیاده کردن این روش پایه های کلیساهای جدید را در سراسر منطقه گذاشتند. هر یک از آنها وظیفه کلیسا را عملاً برای حق جویان و نوایمانان به نمایش گذاشته و بعد از اندکی در شکل گیری کلیسایاری شان کردند و سپس فقط مسئولیت نظارت (به صورت مشاور نه رئیس) را به عهده گرفتند. بعد از اینکه مطمئن شدند که کلیسای جدید قادر است وظیفه خود را بدون کمک برونی ادامه دهد، آن مکان را به منظور برپایی کلیسای جدید دیگری ترک کردند. بدون شک هر از چندگاه این زنجیره تأسیس کلیساهای جدید گسسته می شد، اما به دلیل پراگندگی و گستردگی کار این گسستگی محسوس بود.

مردم دور افتاده یانین به هیچ وجه دسترسی به مدرسه و یا دانشکده الهیات نداشتند. دولت تأسیس بنای هر نوع مدرسه الهیاتی را منع کرده بود. مسئول بشارت ناحیه برای رفع این مشکل به کتاب مقدس رجوع کرد و روش ایمانداران اولیه را الگوی خود ساخت. وقتی او اولین رهبران کلیسا را تعلیم می داد، اصرار کرد که آنها نیز افراد دیگری را تعلیم دهند. بنابراین تعلیمات به صورت انفرادی و دوستانه بود. لازمه هر رهبر کلیسا این بود که هم شاگرد و هم مربی باشد و بدین ترتیب زنجیره ای از مربی و شاگرد بوجود آمد «و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند» (متی ۲۸:۲۰) هر درسی که شبان و یا رهبر کلیسایی می گرفت، روز بعد به

شبان و یا رهبر کلیسای دیگر تعلیم می‌داد. این رویه باعث بوجود آمدن روش «تعلیم در حال خدمت» شد که برای پیشرفت کلیسا، به حیاتی و بموقع بود.

موردهای بی نظیر

اگر چه با گسترش انجیل بین یانین‌ها، جفا و مرگ هم گسترش می‌یافت، اما تلاش دولت در توقف گسترش کلیسا بی‌نتیجه بود. تنها علت آن فقدان وجود ساختمان کلیسا بود و دولت نمی‌توانست ایمانداران را ردیابی کند.

ایمانداران جدید فوراً تعمید می‌گرفتند و به آنها اینطور تعلیم داده شد که صید جان‌ها و هدایت آنها به کلیساهای جدید امری طبیعی برای نوایمان است. اعتماد به نوایمانان جدید به عنوان مبشر و عضو کلیسای جدید تقاضای پرخطری بود، اما در عین حال به ترقی کلیسا کمک شایانی کرد.

بی‌فرقه‌ای بودن این کلیساهای باعث شد که هیچ رسم و روشی را از فرقه‌ای وارد کلیساهای جدید نکنند. در نتیجه نوع فرقه این کلیساهای آینده در خود این حرکت پدیدار خواهد شد. به هر حال بنابه نوع ایجاد کلیساهای یانین قدرت در دست یک شخص نیست که بتواند طبق نظر خود آن را تنظیم کند. اصل اعتقادی هر کلیسای خانگی، اطاعت از کلام است. چون پرستش کلیسایی شامل تدریس کلام توسط تعدادی از رهبران است و جلسات بیشتر شبیه گفتگو است تا موعظه یک نفره، در نتیجه هر تعبیر و برداشت اشتباهی توسط گروه اصلاح می‌شود.

وقتی از مسئول کار سؤال شد که این کلیساهای بی‌فرقه شبیه چه نوع کلیساهای هستند، گفت: هر چند دولت هر نوع فرقه کلیسایی را منع کرده ولی می‌توانم بگویم که آنها همانند کلیساهای تعمیدی عمل می‌کنند (منظور این است که اعضا برای کلیسا تصمیم می‌کرد نه کلیسای مرکز و یا سازمان خاص دیگر). او حتی این مسئله را عنوان کرد که به علت نوع خاص وفاداری ایمانداران به تعلیم کتابمقدس در مورد کهنات ایمانداران کلیسا در این منطقه به پیشرفت خود ادامه می‌دهد.



نکته‌های درسی

۱. از همان ابتدا کار بشارت بین مردم صورت گرفت و نه در ساختمان کلیسا.
۲. انتخاب تعدادی ایماندار به نام هیئت رهبران، گسترش کلیسا را تضمین کرد.
۳. نحوه برپایی کلیسا در یانین باعث شد تا صدمه‌ای به این کلیسا وارد نشود و کلیسا فقط به رشد و پیشرفت روز افزون خوب‌گیرد.
۴. به علت بومی نبودن مسئول کار بشارت منطقه، قبل از اینکه کلیسا وسعت پیدا کند او محل خدمت خود را ترک کرد، در نتیجه هیچ انگیزه‌ای برای ترس از بیگانه بین مردم وجود نداشت.

مردم بوجراتی هند

وضعیت کشور

در منطقه پر جمعیت مرکزی هندوستان گروهی از مردم به زبان بوجراتی صحبت می کنند و به همین علت ما آنها را بوجراتی می خوانیم. تعداد جمعیت آنها حدود ۹۰ میلیون نفر است که در ۱۷۰ هزار روستا واقع در ۴ استان هند زندگی می کنند. در بین این مردم از هر چهار طبقه هندوها وجود دارد. بوجراتی ها نیز از همین طبقات تشکیل شده اند. اکثر قشر این مردم در فقر شدید و بی سوادى بسر می برند و برای امرار معاش کشاورزی و داد و ستد می کنند.

به دلیل وجود «برهن» که نام طبقه بالایی هندوها است و همینطور وجود طبقه روحانی و مکان های مقدس هندوها در این نواحی، این منطقه به مکانی مهم تبدیل شده است. بیش از ۸۵ درصد آنها هندو هستند و ما باقی معتقد به همزادگرایی و مسلمانند. در این منطقه چهار شهر بزرگ وجود دارد که هر کدام جمعیتی بیش از یک میلیون نفر را در خود جایی داده است.

در اوایل قرن نوزدهم آقای ویلیام کاری که میشری نام آوری بود که به همراه دیگر همکارانش پیام مسیح را به آنان رساندند. در همین ایام بود که کاتولیکهای «یسوعیون» نیز خدمت خود را در بین این طایفه آغاز کردند. در قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، هزاران نفر از مردم به سمت ایمان کاتولیک ها جاری شدند. از زمان استقلال هند که در سال ۱۹۴۷ صورت گرفت، ایمان کاتولیک در بین آنها رشد کرد و در حال حاضر یک هزارم درصد آنها کاتولیک هستند.

در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ جرقه کار توسط هیئتی از کلیسای تعمیدی سوئد زده شد. این خادمین توانستند تا اواسط قرن بیستم که هند را

۱. طبق اصول اعتقادی هندوها، مردم در چهار طبقه اجتماعی قرار دارند. در این میان، طبقه دیگری وجود دارد که به آنها «بی طبقه» یا «طبقه نجس» گفته می شود. این افراد از فقیرترین افراد روی زمین فقیرتر هستند. در بین هندوها هر فرد می تواند با افراد هم طبقه خود امرار معاش کند و یا پیوند زناشویی ببندد. معاشرت هر شخصی با افراد طبقه بالایی خود کاری سخت و دشوار است.

به دلیل وجود همین طبقه بندی است که مردم هند هنگام ملاقات به هم دست نمی دهند بلکه دست خود را جفت کرده مقابل صورت قرار داده و سر تعظیم فرود می آورند. طبقات مردمی در هند از ارباب رعیتی ایران قدیم به مراتب بدتر است. مترجم

ترک کردند، تعداد ۲۸ کلیسا را تأسیس کنند. زمانی که سربازان انگلیسی در تلاش فرونشاندن شور ملی گرایان هندی‌ها بودند، ارتش انگلیس مسیحیان هندی را وادار کرد تا سربازان انگلیسی را در منازل خود جایی دهند و بدین ترتیب بشارت دادن در هند سخت شد. در نیمه دوم قرن بیستم رشد کلیسا روبه کاهش رفت. این کلیساها تا پایان دهه ۱۹۸۰ یعنی ۲۵ سال نتوانستند به هیچ وجه رشد کنند.

رویدادها

در سال ۱۹۸۹ مبعشری از آمریکا مسئولیت خدمت بشارت بین مردم بوجراتی‌ها را به عهد گرفته و روانه هند شد. بعد از فراگیری زبان محلی و آداب و رسوم بوجراتی که مدت یکسال طول کشید، با کلیساهای محلی ارتباط برقرار کرده و برایشان هدفش از آمدن به هند را توضیح داد و سپس او و همکارانش شروع به گسترش کلام خدا بین مردم کردند. اما به علت ترس این کار را با صبر و حوصله انجام دادند. این ترس به خاطر قتل بی‌رحمانه گروه مبعشری در جنوب هند بود که در همان ایام رخ داده بود.

در سال ۱۹۹۲ اوضاع بهتر شد و مسئول بشارت طرحی را برای انجام برپایی کلیساهای جدید پیاده کرد. او این طرح را از دستورات عیسی در باب ۱۰ انجیل لوقا اقتباس کرد. در این باب می‌بینیم که عیسی شاگردان خود را دو به دو به روستاهای جلیل اعزام و سفارش می‌کند که اشخاص «اهل صلح و صفا» (انجیل شریف) را پیدا کنند. مبشرین بوجراتی از همین روش برای رساندن پیغام مسیح و برپایی کلیساهای جدید در این ناحیه استفاده کردند. این افراد قبل از اینکه سخنی در مورد عیسی بزنند، «افراد اهل صلح و صفا» بوجراتی را تعلیم می‌دانند (حتی قبل از اینکه آنها ایمان بیاورند). آنها در این روش وقایع کتاب مقدس را از ابتدا تا انتها تعریف می‌کردند. این افراد که بطور جداگانه تدریس می‌شدند، بعد از اندکی به ایمان خود اعتراف کرده و خانواده‌های خود را به ایمان به مسیح دعوت می‌کردند و سپس تعمید می‌گرفتند. به این ترتیب هسته مرکزی کلیسای جدید در هر روستا گذاشته شد.

در سال ۱۹۹۳ تعداد کلیساهای این ناحیه از ۲۸ کلیسا به ۳۶ کلیسا رسید. سپس در سال بعد ۴۶ کلیسای جدید دیگر به مجموع کلیساهای اضافه شد. با برپایی کانونی برای تعلیم مبشر، ادامه انتشار گسترش کلام بین این مردم تضمین شد. در طول راه هر کلیسا به چندین کلیسا تبدیل شد بطوری که در سال ۱۹۹۶ تعداد کلیساهای به ۵۴۷ و در سال ۱۹۹۷ به ۱/۲۰۰ کلیسا رسید. سال ۱۹۹۸ این تعداد به ۲/۰۰۰ کلیسا رسید. در عرض هفت سال بشارت و

تعلیم، تعداد افرادی که به مسیح ایمان آوردند، به ۵۵/۰۰۰ نفر رسید.

عامل‌های کلیدی

چند عامل کلیدی در گسترش کلیسا وجود داشت که اولین آن مربوط به آزمایش راه‌های مختلف برای تعیین بهترین و موثرترین روش بود. هم‌زمان با شروع برپایی کلیساهای جدید، امدادهای خیریه توسط کلیساهای محلی به مردم محروم صورت گرفت. تمام اعضای گروه‌های



خیریه همگی مبشرین و ایمانداران کلیسا بودند.

بعد از گذشت شش ماه تمام کارها توسط مسئول بشارت مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. در این حین کار او متوجه شد که کلیساهای

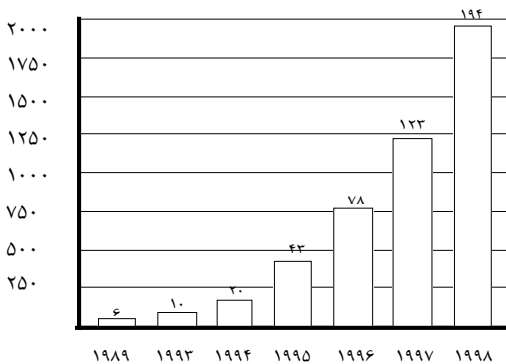
موجود در اجرای هدفش بهترین موقعیت را دارا هستند. سپس ایشان وقت و اطلاعات تخصصی خودش را در اختیار این کلیساها قرار داد.

قدم دوم اساسی وقتی صورت گرفت که ایشان یکی از ایمانداران بومی را به عنوان دستیار انتخاب و برای همکاری در هماهنگی گروه‌های بشارتی تعلیم و تربیت کرد. مسلماً برای فرد هندی مسافرت به شهرها و روستاها ساده تر بود تا اینکه فرد آمریکایی بدون تسلط به زبان، این کار را انجام دهد. این دو نفر توانستند دوشا دوش کار مشترک نیرومندتری را آغاز کنند. مسئول آمریکایی توانست از هند خارج شود و در سطح گستره‌تری کار بشارت را حمایت کند. مسئول هندی در محل ماند و با تکمیل و هم‌آهنگ کردن دوره‌های تعلیمی و بشارتی نقش مهمی را ایفا کرد.

مسئول هندی توانست به مناطقی مسافرت کند که از عهده مسئول قبلی به علت عدم شناخت مناطق بومی خارج بود. و این خود دلیلی بود که مسئول غیر بومی کشور هند را ترک کند و نقش دیگری را در این موج گسترش کلیسا بین بوجراتی‌ها بازی کند. او قادر شد تا ایماندارانی را در سراسر جهان برای دعای پیوسته برای این مردم تشویق کند همین‌طور اقداماتی از قبیل فراهم کردن احتیاجات کار بشارت، تنظیم ترجمه انجیل به زبان بوجراتی و ضبط آن روی نوار صوتی، توسعه مواد درسی رهبران را انجام دهد. در عین حال او از

کلیساهای آسیا درخواست کمک مالی جهت توسعه کلیسا در بین بوجراتی‌ها کرد.

برای اینکه این کلیساها به کمک‌های مالی کلیساهای خارجی متکی نباشند، مسئول کار هر پروژه‌ای را در برنامه دو ساله قرار داد.



کلیسای بوجراتی

بعد از گذشت دو سال کمک مالی جهت ارزیابی متوقف می‌شد. دوره‌های تعلیمی همه در اماکن اجاره‌ای با قرارداد دو ساله صورت می‌گرفت و بعد از دو سال نقل مکان می‌کردند.

موردهای بی نظیر

چیزی که در ابتدا به عنوان موج گسترش کلیسا بود، ظرف مدت هفت سال به چند شاخه تقسیم شده و همگی در یک جهت حرکت می‌کردند. به علت گسترش شتابان کلیساهای جدید، کلیساهای محلی قادر نبودند پا به پای کلیساهای جدید حرکت کنند.

به این دلیل مسئول کار به جای متمرکز کردن کار خود روی فرقه و نام کلیسا کار دیگری را برای اتحاد و گسترش کلیسا انجام داد. نکته مشترکی که تمام کلیساهای را به هم مرتبط می‌سازد «سرپرستی به کلام خدا به عنوان قدرت بی چون و چرا» است.

نکته منحصر بفرد دیگر این بود که مسئول کار به دریافت کمک‌های مالی از خارج از هند امید داشت که به این وسیله کار بشارت ادامه پیدا کند. هر چند که مصارف آن بسیار محدود بود. به جای صرف کمک‌های مالی برای مبشرین سیار و بانیان کلیسا، کمک‌های مالی صرف تأسیس کانون تعلیم و تربیت برای شبانان و بانیان جدید شد. این امر باعث پشتیبانی و گسترش کار در سراسر منطقه شد. به مجرد شکل گرفتن هر کلیسای جدید صندوق هدایا و اعانات تهیه می‌شد. این هدایا به عنوان حقوق به شبان کلیسا داده نمی‌شد، بلکه شبان کلیسا طوری تربیت می‌شد که خود شغلی داشته باشد و مخارج امرار معاش خود را کسب کند. کمک‌های مالی حتی برای تأسیس بنای کلیسا داده نمی‌شد.

توکل به کمک‌های خارجی برای تأمین مالی مبشرین/ بانیان کلیسا سؤالاتی در مورد استطاعت ذاتی موج گسترش کلیسای هند برانگیخت. پرهیز از پرداخت حقوق به شبانان یا ساختمان باعث پیشرفت طبیعی حرکت شد. اما هر سه ماه هدایایی به مبشرین محلی ارائه می‌شد. این واکنش از طرف مسئول هندی بود که گفت: «هر مبشری بنا به طبیعت کاریش برای امرار معاش



نیازمند کمک‌های مالی از طرف کلیساها دیگر است. اگر این امر برای مبشرین غربی صدق می‌کند بنابراین برای مبشرین هندی نیز صادق است». نکته تشویق کننده این بود که آنها در فکر ایجاد کلیساهای جدیدی بودند. در کنفرانس سالانه شبانان که تعداد ۱/۰۰۰ شبان در آن شرکت داشتند، هر کدام از شبانان بین ۲ تا ۵ کلیسای جدید را افتتاح کرده بودند.

شروع کار با ایمان آوردن افراد «اهل صلح و صفا» بود که خانواده خود را با مسیح و مسیحیت آشنا کرده و توسط همان خانواده انجیل مسیح در سراسر روستا منتشر می‌شد و به این ترتیب آنها به جمع خانواده الهی می‌پیوستند. ایمانداران به تنهایی تعمید نمی‌گرفتند بلکه همه اعضای خانواده با هم تعمید می‌گرفتند. پدر اعضای خانواده خود را تک تک تعمید می‌داد و به این ترتیب هر خانواده سنگ بنای کلیسای جدیدی را پایه‌ریزی می‌کرد.

نکته‌های درسی

۱. گاهی شکست مقدمه‌ای برای موفقیت است به شرطه اینکه از شکست مان درس بگیریم و دلسرد نشویم. اولین تلاش‌های گسترش کلیسا بین بوجراتی‌ها شش شهید برجا گذاشت.

۲. آزمایش قبل از کار، بررسی و ارزیابی دقیق می‌تواند کار را در مسیر اصلی نگاه دارد.

۳. دو سؤال مهم هنگام تعلیم، زندگی روزانه بوجراتی‌ها را شکل داد. در هر زمان که آنها با مشکل ایمانی و غیره روبرو شوند با این دو سؤال راه حل مشکل را پیدا می‌کنند:

الف. در این موقعیت عیسی مسیح چگونه جلال می‌یابد؟

ب. کلام خدا در این مورد چه می‌گوید؟

۴. تهیه داستان‌های کتابمقدس به صورت شفاهی و نوار صوتی باعث شد تا کلام خدا نیروی اصلی پیشرف کلیسا بین مردم حتی بین افراد بیسواد باشد.

مردم خمیر کامبوجیه

وضعیت کشور

بخش اعظم قرن بیستم برای مردم کامبوج چیزی جز جنگ، حکومت دیکتاتوری، کشتار دسته جمعی نبوده است. در تاریخ کامبوج جدید فقط اندکی پیشرفت مشهود است. درگیری با ویتنامی‌ها که بیش از دو دهه طول کشید آنها را در دوران حکومت دیکتاتوری مائویست به رهبری پولپات وارد جنگ کرد و کشور کمبوجیه را به ویرانی کشید. در طول پنج سال حکومتش یعنی از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۷۹ موجب کشتار، مفقود شدن و گرسنگی بیش از سه میلیون و سیصد هزار نفر از جمعیت ۸ میلیون نفری کمبوج شد.

این حاکم جلاد، کمبوجیه را با شالوده‌ای از ویرانی، مرگ بسیاری از مردان و قشر جوان بی‌سواد رها ساخت. این کشتارهای دسته جمعی با برقرای حکومتی از طرف ویتنام خاتمه یافت، اما هیچ تأثیری در وضعیت مردم آسیب دیده نگذاشت.

این تحول زمینه را برای تغییر دیگری آماده کرد. اعتقاد به بودا برای قرن‌ها مردم کامبوج را تحت تأثیر خود گذاشته بود. کلیسای کاتولیکی موفق

شد تا خدمات خود را در کامبوج شروع کند، اما به دلیل ارتباط کلیسای کاتولیک با واتیکان و فرانسه موجب شد که کلیساها هدفی برای حکومت شود. در اوایل قرن بیستم دو هیئت از کلیساهای پروتستان مسیحیت را به کامبوج معرفی کردند. تعداد ایمانداران پروتستان متجاوز از ۵/۰۰۰ نفر نمی‌شد. با روی کار آمدن پل پوت ضربه شدیدی به کلیسا وارد شد. هیئت‌های مبشر از کشور بیرون کردند و ایمانداران که برای حفظ جان خود پراکنده شده بودند بعد از دستگیری به قتل رسیدند. به این ترتیب در سال ۱۹۹۰ جمع ایمانداران به کمتر از ۶۰۰ نفر کاهش یافته بود.

رویدادها

بنا به گفته مبشر سالمندی که مدت ده سال در کامبوج خدمت می‌کرد، مسیر حرکت مسیحیت در دهه ۹۰ در این کشور دچار تحول عظیمی شد و سال ۱۹۹۹ تعداد ایمانداران پروتستان از ۶۰۰ نفر به ۶۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. این ایمانداران نتیجه فعالیت چندین هیئت از مؤسسات مختلف کلیسایی در کامبوج بود.

اولین تغییرات در ماه نوامبر سال ۱۹۸۹ آغاز شد. در این هنگام یکی از مبشرین مسئولیت خدمت رساندن انجیل به کامبوج را بعهده گرفت. تا سال ۱۹۹۱ او توانست زبان محلی را کاملاً فرا گیرد و طرحی برای نحوه رساندن پیغام مسیح به مردم آنجا پیاده کند.

او بجای بشارت دادن و فعالیت مستقیم در اداره جلسات طرح دوستی عمیق با تعدادی از ایماندار کمبوجیه را ریخت و همچون معلم با ایشان در ارتباط بود. در عرض یک سال او شش کامبوجی مبشر را تحت تعلیم خود قرار داد. بعد از چند ماه کتابچه‌ای که نحوه برقراری کلیسا، اصول ایمانی مسیحی، فیلم عیسی، داستانهای از کتابمقدس و طرز اداره جلسات خانگی را به زبان خمر (زبان مردم کامبوج) تهیه و در اختیارشان قرار داد. همراه همه اینها او بینش رساندن مژده مسیح به سراسر کشور را به آنها الهام بخشید.

در سال ۱۹۹۳ تعداد شش کلیسای کاشته شده به ۱۰ کلیسا رسید. سال بعد این تعداد دو برابر شد و در سال ۱۹۹۵ وقتی تعداد کلیساها به ۴۳ عدد رسید، رهبران کلیساها تصمیم گرفتند اتحادیه‌ای برای کلیساهایشان



تشکیل دهند. سال بعد شمار کلیساهای ۷۸ و در سال ۱۹۹۷ به ۱۲۳ کلیسا رسید. تا سال ۱۹۹۹ تعداد کلیساهای ۲۰۰ کلیسا و تعداد ایمانداران به ۱۰/۰۰۰ نفر رسید. تعدادی از جلسات پرستشی در منازل وقف شده برگزار می شود اما اکثر جلسات پرستشی در منازل ایمانداران که هر کدام گنجایش ۵۰ نفر را داشتند تشکیل می شود.

در سال ۱۹۹۶ مسئول بشارت کشور را ترک کرد، اما در آنجا جمع کوچکی از مبشرین و کلیساهای مرتبط که در اکثر مناطق کشور پراکنده شده بودند را پشت سر جا گذاشت و هنوز پیغام مسیح بین کامبوجی ها گسترده و قوی می شود.

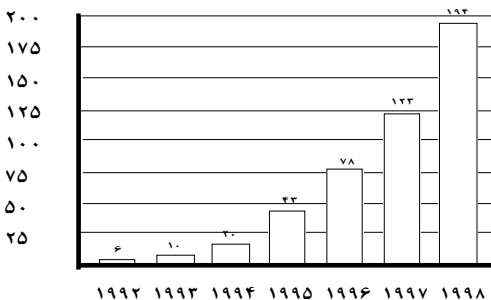
عوامل های کلیدی

وقتی علت وقوع این موج گسترش کلیساهای جدید را جویا شدیم، او گفت: «چندین عامل اصلی در این واقعه شش ساله دست داشتند. تعداد افراد بسیج شده که برای کامبوج ها دعا می کردند، بی سابقه بود». این افراد برای حفظ مؤمنین در حال خدمت بین کامبوجی ها و برای هدایت مردم توسط انجیل عیسی مسیح دعا می کردند.

«دعا کردن» زندگی اعضای جدید را شکل می‌داد و باعث رؤیت دست خدا در زندگیشان شد. وقایع صورت گرفته در آنجا باعث شگفتی همه شد، اتفاقاتی نظیر، شفا، بیرون کردن ارواح و بیداری روحانی.

عامل دیگر در رشد کلیسای کامبوج، تعلیم ایمانداران بود. کانون‌هایی به نام آموزش رهبران روستایی در هر جایی که امکان پذیر بود، بنا گردید. در این کانون‌ها اصول کتاب مقدس و نحوه تشکیل کلیسا به شرکت کنندگان مشتاق تدریس می‌شد. این کانون‌ها معمولاً در مکان‌هایی برگزار می‌شد که برای کلیساهای آینده در نظر گرفته شده بود. انتخاب این مکان‌ها معمولاً از نظر موقعیت مکانی و ارتباط با کلیسای مجاور مورد بررسی قرار می‌گرفت. مدت زمان این دوره‌ها دو هفته بود که برای هشت مرتبه تکرار می‌شد و شامل درس‌های از کتاب مقدس، درسهای عملی در مورد رهبری کلیسا، نحوه مجهز کردن مبشرین و بانیان کلیسا بود. این تعلیم ۱۶ هفته‌ای ظرف دو سال برگزار شد. مسئولین کلیسا قادر بودند درس‌های گرفته شده را عملاً در خدمت کلیسایشان پیاده ساخته و در عین حال کسب کار خود را ادامه دهد.

در عین حال مسئول بشارت سعی کرد الگویی برای نحوه ادامه کلیسا پیاده کند. الگوی کار تعلیم پولس رسول در کتاب دوم تیموتائوس باب دوم آیه ۲ بود، «تعالیمی را که در جمع از من شنیدی، به افراد قابل اعتماد



کلیسای کمبوج

بسیار تا ایشان نیز بتوانند آنها را به دیگران تعلیم دهند.» که اصطلاحاً این آیه را «قانون ۲۲۲» هیچ کاری را به تنهایی انجام نده» نام نهاد. به این ترتیب روش بشارت، اهداف کلیسا، ارزش‌ها و اصول ایمان از ایمانداری به ایماندار دیگر منتقل می‌گشت.

از همان ابتدا ایمانداران در مورد بشارت خودجوش بودند. برقراری کلیسا در هر ناحیه هدف رهبران هر کلیسایی بود و سپس آن را با جمع مؤمنین در میان می گذاشتند. کلیساهای جدید اولیه توسط متخصصین دوره دیده ایجاد نشد بلکه توسط خود ایمانداران صورت گرفت، وقتی آنها در کلاس های تعلیمی شرکت کرده و مورد تشویق قرار گرفتند، برای ایجاد کلیساهای جدید دست بکار شدند. با مقایسه این نوع کلیساها و کلیساهای دیگر که توسط متخصصین حقوق بگیر بنا شده اند، متوجه شدیم باستانی چند مورد رشد این کلیساها به مراتب بیشتر است.

برای اینکه کلیساهای جدید، صد در صد بومی و غیر متکی به کمک های مالی از کلیساهای خارج از کامبوج باشند، مبشر برنامه ای با مشخصه زمانی را پیاده کرد که در این مدت هر کلیسای جدید بتواند کلیسای دیگری را برپا کند. این امر باعث القا تولید کلیسای جدید در هر کلیسا شد.

کلیساهای جدید با ترک مسئول بشارت در سال ۱۹۹۶ وارد دوره جدید شد. در حال حاضر خادمین غیر بومی دیگر نقش تشویق کننده را به عهده گرفته اند تا مدعیان کار. یکی از همین خادمین، همکار خود را اینطور نصیحت می کند که: «سعی کن صمیمانه خادم گمنام این قوم باشی و از وسوسه مشهور شدن به عنوان پرچمدار، دوری کنی».

موردهای بی نظیر

هر چند که آرزوی گسترش کلیسا چیز جدیدی نیست، اما کلیسای کامبوج آن را هدف خود قرار داد و کار راحت تر صورت گرفت. هر کدام از ایمانداران، دیگری را تشویق به رساندن پیام انجیل به سراسر کشور می کرد تا در هر ناحیه از مملکت کلیسایی را بنا کنند. در هنگام انتخاب اعضای اتحادیه کلیساها، اشتیاق برای تأسیس کلیسای جدید، یکی از صفات مورد توجه ایمانداران بود. خصوصیتی که برای انتخاب اعضای اتحادیه مورد توجه قرار داشت، فعالیت مستقیم شخص در برپایی کلیسای جدید و گذراندن دورس، کانون رهبران بود.

در این کلیساهای چیز جدیدی اتفاق افتاد که بی سابقه بود، موضوع رهبریت کلیسا مخلوطی از نظام سنت کمونیستی کشور و عهد جدید بود. رهبریت هر کلیسا را هفت نفر به عهده می گرفت (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۳ را ملاحظه کنید). و عنوانی که به آنها داده شد، عنوان رهبران نبود بلکه بعنوان «کانون مجلس» شناخته شد. وظیفه این کانون در قبال جماعتشان از قبیل، بشارت، آموزش خواندن و نوشتن، عبادت، شبانی، خدمت به مردان و زنان و جوانان بود.

با پیشرفت گسترش کلیساهای جدید، لازمه وجود کانون تربیت رهبران روستایی برای توسعه کلیسا هویدا شد. هر کجا که کانون تربیت رهبران روستایی وجود داشت، کلیساهای جدید در آن منطقه افزوده می شد. به همین دلیل مسئول بشارت تمام سعی و تلاش خود را در تهیه کتب تعلیمی گذاشت و در این راه از کلیساهای آسیایی کمک های مالی جمع آوری کرد.

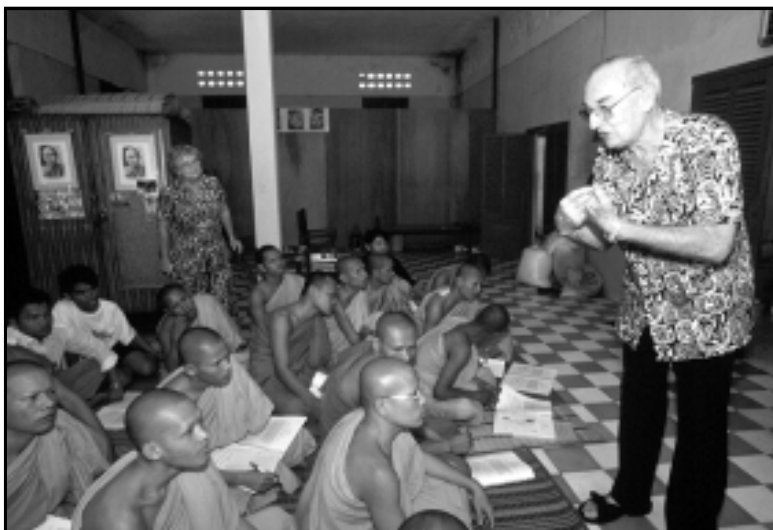
نکته های درسی

۱. به مجرد ورود مسئول بشارت تعداد ۳۰ هیئت بشارتی دیگر وارد کشور شد. هیچ کدام از این هیئت ها موفقیت به دیدن بنای کلیسا نشدند، چرا که تمامی آنها فاقد بانی کلیسا بودند و خدمات خود را فقط در بشارت بین مردم متمرکز می کردند.

۲. مسئول بشارت از همان ابتدا خدمات کلیسا را به دست ایمانداران محلی سپرد و اصرار داشت که هر کلیسا توسط ایمانداران کامبوجی دایر شود.

۳. اجرای قانون ۲۲۲ (دوم تیموتئوس ۲:۲) ثابت کرد که تعلیم و تربیت رهبران برای ایجاد این حرکت ارزشمند بود.

۴. اتحادیه کلیساهای تعمیدی کامبوج به دیدگاه گسترش کلیسا ارج نهاده و آن را با آغوش باز پذیرفتند. قابلیت برقراری و استمرار این دیدگاه از ویژگی های انتخاب اعضای اتحادیه بود.



ظهور حرکت‌های دیگر

با نگاهی به سراسر دنیا متوجه می‌شویم که موج گسترش کلیساها در گوشه و کنار دنیا در حال وقوع است. در بین قوم ماسای مقیم تانزانیا و کنیا نشانه‌های گسترش کلیسا وجود دارد که باعث قوت قلب ایمانداران می‌شود. نامساعد بودن محیط زیستی باعث محدود شدن تعداد مبشرین در این ناحیه شده است. تأسیس ساختمان کلیسا و یا پرداخت هزینه شبان برای قومی که نیمی از آنها کوچ‌نشین هستند و از طریق داد و ستد امرار معاش می‌کنند، چندان ارزشمند نبود. در عوض مبشرین تلاش کردند تا قوم ماسای را مجذوب انجیل کنند و خدمت خود را روی تعلیم رهبران، مبشران و بانیان کلیسا متمرکز کردند.

نتیجه این عمل شتاب گسترش کلیسا بین قوم ماسای شد. اکنون جلسات پرستشی آنها پر روح است. ماسای‌ها جهت شفا از امراض و امورات زندگی از خداوند طلب کمک می‌کنند (این قوم در گذشته برای هر مشکلی به جادوگران و ارواح متوسل می‌شدند. مترجم). نقل داستان‌های کتابمقدس همراه نمایش تصویری بطور طبیعی قوم را به سراییدن سرودهایی از ماجراهای کتابمقدس وا داشته است. گروه کُر داستان‌های عهد عتیق و جدید را

می‌سرایند و در هنگام سرود خواندن جست و خیز می‌کنند. (در بسیاری از قبایل افریقای رسم است که هنگام جشن و سرور شخص با سرائیدن آواز، در حالی که جفت پا به بالا می‌پرد شادی خود را ابراز کند. مترجم) که این کار دلیل بر ریشه دواندن کلام به اعماق وجود این ایمانداران است و شکی نیست که کلام خدا با فرهنگ این مردم آمیخته شده است.

هر چند ماه یکبار در گوشه کنار دنیا موج گسترش کلیسا آغار می‌شود: ۳۰ هزار ایماندار جدید در کشورهای آسیای جنوبی؛ ۱۰۰ هزار نوایمان در غرب هندوستان که بطور متوسط تشکیل ۸۰۰ کلیسای جدید را می‌دهند؛ ایمان آوردن ۲۰ هزار نفر در یکی از استان‌ها واقع در چین در عرض چهار سال؛ دو برابر شدن کلیسا در اروپای غربی در مدت شش ماه؛ تشکیل ۳۸۳ کلیسا تنها در یک استان برزیل.

مبشرین اخبار کارهای خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند، اخباری که شامل معجزات خداوند روی زمین می‌باشد. و براستی که خداوند، قادر به انجام هر کاریست. اجازه دهید نگاه نزدیکتری به الطاف خدا در گوشه و کنار دنیا بیندازیم و از آنها درس‌هایی بگیریم.

فصل ۳ ده عنصر جهانی

بعد از بررسی‌های دقیق از موج‌های گسترش کلیسا که در سراسر دنیا به وقوع پیوسته است، موفق به شناسایی ده عنصر مشترک شدیم. هر چند ممکن است بدون بعضی از آنها به همان نتیجه مطلوب برسیم، اما ضروریست هر مبشری که تمایل به مشاهده چنین حرکت‌های گستره‌ای را دارد، این عناصر را در نظر داشته باشد.

۱. دعا

دعا یکی از عنصرهای بنیانی در ایجاد هر کدام از این موج‌ها بوده است. در برنامه رساندن پیغام انجیل به اقوام مختلف، خصوصیت ستون اصلی برنامه، دعا می‌باشد. وجود دعای قدرتمند در زندگی مبشر باعث می‌شود که همین رویه در کلیسای جدید و رهبران جدید بوجود آید. مبشر با نشان دادن رمز موفقیتش که دعا باشد، در حقیقت این منبع قدرت را در اختیار کلیسا قرار می‌دهد و وجود این منبع برای انتقال بینش گسترش کلیسا نقش مهمی را داراست.

۲. بذرافشانی وافر و گسترده

دیدیم که هر منطقه‌ای که فاقد مبشر دوره‌دیده و حرفه‌ای بود، دقیقاً همان‌جا گسترش کلیسا بین مردم شکل گرفت که همانا نشانی از قدرت الهی

است. برای گسترش کلیسا باید بذر فراوانی پاشیده شود. کشاورزان می گویند؛ «بذر فراوان باعث ازدیاد محصول می شود». در موج گسترش کلیسا صدها و گاهی هزاران نفر پیغام عیسی را می شنود. لازمه فراوانی محصول در فراوانی کاشت است. گاهی کار بذرافشانی توسط رسانه های ارتباط جمعی صورت می گیرد، اغلب این بذرافشانی با شهادت نامه های دیگران که مدرک زنده قدرت انجیل می باشد، همراه است.

عکس این مطلب هم صدق می کند که هرگاه دولتی یا جامعه ای مانع بشارت کلیسا می شود، کلام کاشته نمی شود و به طبع کلیسا در آنجا محو می شود.

۳. برنامه ریزی در گسترش کلیسا

در هر یک از حرکت های گسترش کلیسا قبل از هر کاری تمام مراحل را مورد بررسی و سنجش دقیق قرار می گیرد. نمونه های وجود دارد که تمام عوامل پیشرفت کلیسا در منطقه موجود بود، اما مسئولین فعالیت های بشارتی فاقد مهارت لازم و یا بینش گسترش کلیسا بودند. در هر حال وقتی این عنصر به دیگر عناصر اضافه می شود نتیجه آن چشم گیر است.

کلیسا بخودی خود تشکیل نمی شود. در سراسر دنیا ما شاهد ایمان آوردن صدها هزار نفر به عیسی مسیح بودیم، که هر کدام از آنها از طریق های مختلف پیرو مسیح شده اند، اما هیچ کدام از آنها باعث تشکیل و یا گسترش کلیسا نشده اند. در چنین موقعیت های با برنامه های از قبل طراحی شده می توان چنین بیداری روحانی را به گسترش کلیسا تبدیل کرد.

۴. اقتدار کلام

کلام خدا در بین عوام حتی افراد بی سواد مآخذی برای هدایت اصول اعتقادی، نحوه اداره کلیسا و زندگی روحانی شخصی است. مادامی که موج گسترش کلیسا بین آن عده که فاقد کتاب مقدس به زبان مادریشان

می‌باشند، ظاهر می‌شود، اکثر مردم بخش‌هایی از کلام خدا که دهان گشته را حفظ می‌کنند. در هر نمونه شاهد بودیم که در بین مؤمنین کلام خدا معیاری برای خدمات کلیساست و اقتدارش غیر قابل انکار است.

۵. رهبران محلی

افرادی که در موج گسترش کلیسا فعالیت دارند اغلب از انضباط شخصی سخن می‌رانند، آنها تأکید می‌کنند که برای مبشرین ضروریست که نقش مشاور روحانی و فکری را داشته باشند تا اینکه در فعالیت کلیسا، مستقیماً نقش داشته باشند. به مجرد اینکه مبشر به عنوان شبان و یا رهبر کلیسا خدمت کند، عقب نشینی کاری بسیار سخت و دشوار است. این بدین معنی نیست که این عده از مبشرین در گسترش کلیسا نقشی ندارند برعکس، خادمین محلی بهترین آموزش خدمت را با الگو ساختن روش خدمت مبشرین کسب می‌کنند. اولین قدم در ترویج گسترش کلیسا، همانا خدمت دوشا دوش با ایمانداران محلی است.

۶. رهبران معمولی

موج‌های گسترش کلیسا همیشه با رهبران معمولی هدایت می‌شود. این افراد همگی از قشر معمولی کلیسا می‌باشند که برای امرار معاش خود به حرفه‌ای مشغول هستند و هیچ دوره الهیاتی را فرا نگرفته‌اند. به زبان دیگر اگر ایماندارانی که در محلی دورهم جمع می‌شوند، بی‌سواداند، بی‌سوادای یکی از مشخصه‌های رهبران آن کلیساست و یا اگر اکثر افراد کلیسا ماهیگیر هستند، به طبع رهبران انتخاب شده از همان قشر ماهیگیر خواهند بود. همچنانکه کلیسا وسعت پیدا می‌کند در آینده مردان روحانی برای خدمت ظاهر می‌شوند. در هر صورت آغاز هر کلیسای جدیدی با رهبران معمولی خواهد بود.

وقتی برای گسترش کلیسا به چنین رهبرانی اتکا کنیم، به طبع منبع غنی‌ای از آنها در هر کلیسای یافت خواهد شد و می‌توان آنها را در

کلیساهای جدید به خدمت گماشت و کلیسا را گسترش داد. اگر بخواهیم به ایمانداران دوره دیده متکی باشیم با کمبود شدید این عده مواجه خواهیم شد.

۷. کلیساهای خانگی و کلیساهای سلولی

در موج‌های گسترش کلیسا شاهد بنای کلیساهای خواهیم بود. با این وجود، اکثر غریب به اتفاق هر کلیسایی از جمع کوچک ۱۰ الی ۳۰ نفر تشکیل می‌شود که جلسات عبادتی خود را در منازل و یا در محل کسب کار خود تشکیل می‌دهند.

بین کلیساهای خانگی و کلیساهای سلولی فرقی وجود دارد. کلیساهای سلولی بهم مرتبط هستند و اغلب این کلیساهای کوچک همگی با یک هویتی مشخص معرفی می‌شوند. کلیسای «فول گاسپل سنترال» سئول^۱ در کشور کره جنوبی یکی از بزرگترین نوع این کلیساهای می‌باشد که مرکب از پنجاه هزار کلیسای کوچک است.

شاید در ظاهر کلیساهای خانگی مانند کلیسای سلولی باشد، اما این نوع کلیساهای زیر نظر یک شخص و یا یک قدرت نمی‌باشد. کلیساهای خانگی شاید فاقد اتحاد کلیساهای سلولی باشند، اما کلیساهای فعالی هستند. هر کدام از این نوع کلیساهای مزیت خود را داراست. یکی از ویژگی‌های کلیساهای سلولی سهولت در تعلیم و تربیت ایمانداران و شکل‌گیری کلیسا می‌باشد. به همین ترتیب کلیساهای خانگی دارای آسیب‌پذیری کمتری هستند، که می‌توان از این دو ویژگی به عنوان مشخصه‌های این دو کلیساهای نامبرد. در موج گسترش کلیسا هر دوی این کلیساهای ظاهر می‌شود و گاهی اتفاق می‌افتد که در یک منطقه هر دو نوع در کنار هم شکل می‌گیرند.

۸. تشکیل کلیساهای بارور

در اکثر موج‌های گسترش کلیسا، کلیساهای اولیه توسط مبشر یا شاگردانش ایجاد می‌شود. در هر حال در مقطعی از زمان این حرکت وارد فاز جدیدی می‌شود که کلیساهای خودشان کلیسای دیگری را برپا می‌کنند. برای

به وقوع پیوستن این هدف لازم است که ایمانداران هر کلیسا باور کنند که هم‌یاری برای برپایی کلیسای جدید دیگری امری طبیعی است و احتیاجی به نیروی خارجی ندارند. برای پیشرفت کلیسا مانعی وجود ندارد که ایمانداران را از صید جان‌ها و تشکیل کلیسای جدید باز دارد.

۹. شتاب در تشکیل کلیساهای جدید

عده‌ای شتاب تشکیل کلیسا را ضروری نمی‌دانند، در عین حال کسی منکر وجود این نکته هم نشده است. بسیاری از مسئولین امر ضرورت این کار را عاملی حیاتی برای بقای موج گسترش کلیسا می‌دانند. در گزارش‌ها می‌خوانیم که هر گاه آمار رشد تعداد کلیساهای رو به کاهش می‌رود، این موج متوقف می‌شود. شتاب بنای کلیساهای جدید بیان‌کننده میرم بودن و اهمیت بازگشت مسیح است. هنگامی که شتاب در گسترش کلیسا ظاهر می‌شود، این نوید را به ما می‌دهد که هیچ عاملی نمی‌تواند کار پیشرفت کلیسا را مختل کند و ایمانداران همه با قدرتی که از خداوند عیسی مسیح کسب کرده‌اند مشغول انجام کار خدا هستند.

۱۰. کلیسای تندرست

در چند سال اخیر متخصصین امور بشارتی درباره مشخصات کلیسا مقالات گوناگون بسیاری نوشته‌اند که همه آنها برای وجود کلیسای تندرست در پنج مورد هم‌نظراند: (۱) پرستش، (۲) بشارت و فعالیت‌های بشارتی، (۳) شاگردسازی و تعلیم، (۴) خدمت کردن دیگران، (۵) مشارکت. در هر نمونه از موج‌های گسترش کلیسا که مورد بررسی قرار دادیم، این پنج عامل مشهود بود.

تعداد بی‌شماری از بنیان کلیسا بیان می‌کنند که اگر این پنج عامل در هر کلیسایی قوی باشد، کلیسایه سوی رشد و رونق به پیش می‌رود. درباره عوامل رشد کلیسا می‌توان ساعت‌ها صحبت کرد، اما از دید مبشرین این ۵ مورد مهم‌ترین عامل‌ها هستند.

فصل ۴ ده عامل مشترک

در ورای ده عنصر جهانی موج‌های گسترش کلیسا ده عامل دیگر وجود دارد که جهانی نیستند اما به کرات مشاهده شده‌اند. این عاملها هیچ ترتیب خاصی و یا تقدمی ندارد. در هر حال در بسیاری موارد ما شاهد وجود اکثر آنها بودیم.

۱. پرستش به زبان مادری

در چند مورد دریافتیم وقتی کتابمقدس و یا انجیل به زبان مادری (زبان محلی) در دسترس نیست، عبادت و پرستش به زبان رسمی صورت می‌گیرد. این دسته از ایمانداران که نادر هستند در دعا و سرود از زبان محلی استفاده می‌کنند. عبادت و پرستش به زبان مادری باعث جلب توجه و شرکت غیر ایمانداران در جلسات کلیسایی می‌شود. آن دسته از مبشرینی که زبان مادری قومی را فرامی‌گیرند، موقعیت بهتری برای پخش خبر خوش و برانگیختن موج گسترش کلیسا در منطقه خدمتشان را دارا هستند. با استفاده از زبان محلی می‌توان پرده بیگانگی را برداشت و با مردم یک‌رنگ شد.

۲. بشارت خانواده‌ای

به جز غرب که تأکید بر فردگرایی دارد، در دیگر مناطق دنیا خانواده و ارتباط افراد خانواده به یکدیگر نقش بسزایی دارد. مبشرین متوجه

شده‌اند که برای بهتر بشارت دادن و دعوت ایمانداران جدید به کلیسا، لازم نیست شخص بعد از ایمان آوردن از جمع خانواده و جامعه خود بیرون آید (اعمال ۱۶:۳۱-۳۲). در بعضی موارد چند خانواده بعد از ایمان آوردن تشکیل کلیسایی را داده و بزرگ خانواده نقش رهبری جمع را به عهده گرفته است.

۳. تعجیل در شرکت دادن نوایمانان در خدمات کلیسا

تعمید در اکثر موج‌های گسترش کلیسا با دروس شاگردسازی دراز مدت به تعویق نمی‌افتد. حتی زمانی که تعمید نوایمانان به درازا می‌انجامد، از ایشان خواسته می‌شود تا شاهدان فعال مسیح باشند، بدین ترتیب این نوایمانان هم چون معلم برای علاقه‌مندان عمل کرده و گاهی باعث تشکیل کلیسای جدیدی می‌شوند. مرد میان‌سالی که در هنگام گسترش کلیسای هند به مسیح

ایمان آورد، در طول یک سال توانست ۴۲ کلیسا برپا کند. برای ادامه بقاء موج گسترش کلیسا لازم است که خادمین و مبشرین نوایمانان را تشویق کنند تا در تشکیل کلیساهای جدید همکاری کرده، نه اینکه فقط با آوردن ایمانداران جدید جمعیت کلیسا را افزایش دهند.



۴. شوق و دلیری

یکی از خصوصیات این موج‌ها، شور و حرارت برای بشارت و حس فوریت که

خود گواه برلازمه نجات انسان‌ها است، می‌باشد. همیشه نوایمانان شجاعتشان را در هنگام برخورد با مخالفین به نمایش می‌گذارند. ترس و اضطراب حرکت کلیسا را متوقف می‌سازد. شاید جرأت و شجاعت باعث صدمه به کلیسا شود، ولی نیروی محرکه موج گسترش کلیسا همین جرأت و شجاعت است. (یوشع ۱: ۶)

۵. برای مسیحی شدن باید قیمتی پرداخت

گاهی موج گسترش کلیسا در مواقعی آشکار می‌شود که گفتگو درباره عیسی مسیح عادی و یا سودمند نیست. گاهی این گفتگوها باعث مصائب و یا حتی به مخاطره افتادن زندگی شخص شود. ایمانداران در هنگام وقوع چنین جفاهایی قویتر می‌شوند و بشارت انجیل مسیح را با جرأت بیشتری بیان می‌کنند (متی ۱۰: ۱۷-۲۵). فشارها باعث جدا شدن افراد غیر متعهد و اطمینان به افراد مصمم می‌گردد.

۶. بحران‌های اقتصادی و سیاسی

ملت و یا قومی که سران خود را از دست می‌دهند، مردمی که جنگی را پشت‌سر گذاشته‌اند و یا خسارت‌های طبیعی چون زلزله و سیل را چشیده‌اند، زمینه‌شان برای موج گسترش کلیسا آماده‌تر است.

۷. تعلیم رهبران در حین انجام وظیفه

با افزایش سریع تعداد کلیساهای، تعلیم رهبران امری حیاتی در روند پیشرفت کلیساهای است. اگر قرار باشد که رهبران کلیساهای جدید برای تحصیل دوره الهیات کلیسا را برای مدتی ترک کنند، حرکت از پا می‌ایستد. بهترین راه برای آموزش، بکارگیری آموخته‌ها در اسرع وقت است. ثابت شده که اضافه کردن دوره الهیات به در طول خدمت، مکملی قوی برای گسترش کلیسا می‌باشد.

اجرای چنین دوره‌هایی در هر شهر و کشوری فرق دارد، اما بطور کلی این دوره‌های الهیاتی از دوره‌های کوتاه مدت تشکیل شده و لطمعه‌ای به خدمت مبشران، معلمان، رهبران و شبانان کلیساها وارد نمی‌کند. خادمین اهمیت این نوع آموزش را برای گسترش کلیسا تأکید می‌کنند.

۸. موفقیت با هیئت رهبری (گروه رهبری)

کلیساهایی که نظام آنان تنها بر روی یک شخص و یا به صورت سلسه مراتبی اداره می‌شوند، برای ایجاد موج گسترش کلیسا غیرمناسب هستند. برای رهبران هر کلیسای خانگی یا سلولی مهم است که خودشان برای بشارت، خدمت و برپایی کلیسای جدید تصمیم بگیرند تا اینکه برای کسب اجازه برنامه‌های خود بایستی سلسله مراتب را پشت سر بگذارند.

کلیساهایی که نظام آنان تنها
بر روی یک شخص و یا به صورت
سلسه مراتب اداره می‌شوند، برای
ایجاد موج گسترش کلیسا
غیرمناسب هستند.

۹. مبشر غیر بومی پشت صحنه

لازم است خادمینی که در مملکت دیگر بین افراد بومی خدمت می‌کنند، برای بومی ماندن کلیسا پشت صحنه فعالیت کنند. هدف اصلی از اینکار بیگانه نبودن و تشویق افراد محلی به کار خدمت است. به جای اینکه منتظر باشید تا نوایمانان ثابت کنند که لیاقت خدمت را دارند، مبشرین نوایمانان را به صحنه خدمت آورده و با به نمایش گذاشتن نحوه روش مطالعه کتابمقدس در عمل آنان را تعلیم می‌دهد.

۱۰. زحمت و سختی برای مبشرین

لیست مبشرین تحت جفا و زحمت کشیده همانند «کاتالوک بلا» است. تعداد بی شماری از آنان گرفتار بیماری، تمسخر و انگشت نما شده اند. علت وقوع بعضی از این سختی ها، رفتار شخص مبشر و بعضی مواقع طرف مخالفین می باشد. یکی از مبشرینی که بین دانشجویان فعالیت می کند بیان کرد که شاید علت سختی به مسئله ارواح تاریکی در حال عقب نشینی ارتباط دارد (مکاشفه ۱۲:۱۲). جفا به هر علتی که باشد با کاری که در موج توسعه کلیسا صورت می گیرد، غیر قابل مقایسه است. به مبشرینی که به چنین خدمت های اعزام می شوند، توصیه می شود که همیشه هوشیار و آماده نبرد روحانی و در عین حال همیشه در حال دعا باشند.

فصل ۵ ده تجربه مفید

موج گسترش کلیسا یکی از عالی ترین امورات خداست و از روی لطف و محبتش ما را انتخاب کرده که در این کار بی نظیر، همراه او باشیم. مبشرین با بکارگیری چند مورد می توانند، موج گسترش کلیسا را فعال و تشدید کنند. این مواردی که عنوان می کنیم هیچ ترتیب خاصی ندارد. بعضی از این موارد می تواند مهمتر از دیگری باشد. هر یک از این موارد در شکل گیری موج های گسترش کلیسا در سراسر جهان بکار گرفته شده اند. اینکه کدام یک از این موارد مناسب محل خدمت شماست، بستگی به شما دارد که بنابه موقعیتان آنها را انتخاب کرده و با تغییراتی که در آن می دهید بهترین نتیجه را حاصل کنید.

۱. از همان ابتدا در راه اندازی گسترش تلاش کنید

کلید اصلی موج گسترش کلیسا همین است که این موج از همان روز اول کار آغاز می شود. ضروریست که تصویر پایان کار را از همان ابتدا مجسم کرد. بنابراین مبشرین می بایست الگویی برای نوع کلیسا، نحوه بشارت، شاگردسازی و تعلیم دروس الهیات در کلیساها را در نظر داشته باشد. بدین ترتیب نحوه بشارت، شاگرد سازی و تشکیل کلیسا و غیره مشخص می شود.

۲. ابزار کار و تدبیری جامع

مبشرینی که به درک تمام جوانب ایجاد موج گسترش کلیسا نائل آیند، به سرعت متوجه می شوند که این عمل کاری و رای توانایی، وقت و آگاهی شان می باشد. در هر صورت با در نظر گرفتن فرمان عظیم عیسی و تکرار این سؤال «چه چیزی برای وسعت بخشیدن کلیسا در اینجا لازم است؟» متوجه خواهیم شد که برای انجام این مأموریت تدبیری جامع و گستره لازم است.

تدبیر جامع بر پایه این چهار اصل بنا شود: (۱) دعا، (۲) کلام، (۳) بشارت و (۴) گسترش کلیسا. این چهار اصل با کمک های خیریه و نحوه ارتباط با مردم و غیره کامل می شود. آمیخته این تدبیر باعث رهاسازی مبشر از محدودیت های شخصی می شود و مبشر قادر به فعال و تشدید موج گسترش کلیسا خواهند بود.

۳. ارزشیابی تمام عوامل رسیدن به هدف

مبشری عنوان کرد که به راحتی می توان مبشر بد و خوب را از هم تشخیص داد، کافیت فقط توجه کنیم که شخص به چه چیزهایی جواب «نه» می گوید. منظورمان این نیست که این مطلب در تمام موارد صحت دارد. مسئول بشارت موفق همه جوانب کار را در راه رسیدن به هدف (که همان برپایی کلیساهاست) بررسی و ارزشیابی می کند، رد و یا قبول هر چیز بستگی به رسیدن به هدف دارد.

مسئول بشارت موفق همه
جوانب کار را در راه رسیدن به
هدف بررسی و ارزشیابی
می کند، رد و یا قبول هر چیز
بستگی به رسیدن به هدف دارد.

۴. ظرافت در بذرافشانی

بسیاری از مبشرین این تجربه را کسب کرده‌اند که به جای بذرافشانی نامرتب و انتظار برای برداشت محصول می‌توان آن را با دقت و ظرافت خاصی انجام داد. در این روش، می‌توان ابتدا افرادی که در مناطق مختلف به مسیح ایمان آورده‌اند را شناسایی و از بین آنها تعدادی را برگزید، سپس آنها را توسط معلمین، شاگرد سازی کرده و سپس آنان را برای تشکیل هسته کلیسای جدید بکار گرفت. وقتی مشی‌ری برای انجام مأموریت به مکانی غریب و نا آشنا می‌رود ممکن است در فراگیری زبان محلی، بشارت، شاگرد سازی و برپایی کلیسایی موفق شود، اما با انجام الگویی که ذکر شد می‌تواند نتیجه بهتری را کسب کند.

با همکاری ایستگاه‌های رادیویی و دیگر رسانه‌های ارتباط جمعی بشارتی، می‌توان بتدریج افراد مسیحی شده توسط این رسانه‌ها را بعد از تعلیم به سوی خدمت فرا خواند. وقتی مبشر در میان این افراد نوایمان نقش معلم را ایفا می‌کند، قادر خواهد بود که به راحتی کلیسا را گسترش دهد. با این روش می‌توان کار چندین ساله را در مدت کوتاهی انجام داد.

۵. آماده سازی نوایمانان برای تحمل سختی‌ها

هر نوایمانی باید این مطلب را درک کند که پیرو مسیح شدن یعنی صلیب خود را برداشتن. ایماندار باید آماده پذیرش هرگونه سختی و حتی به مخاطره افتادن جان خود باشد. از همان ابتدای مسیحیت همیشه سختی و جفا همراه پیروان مسیح بوده است. این آماده سازی نباید بعد از ایمان شخص صورت بگیرد، ضروریست که از همان ابتدای بشارت دادن به این نکته اشاره شود. می‌بایستی نوایمان تعلیم بیند که جفا و سختی، قیمت مسیحی شدن است. (مرقس ۸: ۳۴)

۶. گردهم جمع شدن، نجات یافتن

راه منطقی برای تشکیل کلیسا این است که اول مردم را بشارت داد و جان‌ها را صید کرده، بعد آنان را شاگرد مسیح کرد و سپس دور هم جمع شده و کلیسا را تشکیل دهند. اما این روش تنها راه تشکیل کلیسا نیست. بسیاری از خادمینی که در هسته گذاری کلیسا خدمات شایانی داشته‌اند روش دیگری را نیز بکار گرفته‌اند. در این روش آنها گروه‌های حق‌جویان و تشنگان را به جلسات بشارتی و تعلیم کتابمقدس دعوت می‌کنند. با دعوت این تشنگان و حق‌جویان به چنین جلساتی، آنها وارد موج گسترش کلیسا شده و به‌سوی ملحق شدن به خانواده خدا هدایت می‌شوند.

۷. روش قوم‌یانی را امتحان کن

روش بشارتی که در کشور چین به کار گرفته شد شامل عامل‌های اصلی است که تقریباً در هر کجا می‌توان آن‌را استفاده کرد. تبادل نظر در جلسات کتابمقدس، اطاعت از کلام خدا که تنها رمز موفقیت شخصی و کلیساست. هیئت رهبران که از لحاظ مالی وابسته به کلیسا نیستند و همه در یک سطح قرار دارند. کلیساهای خانگی و یا سلولی.

۸. بکارگیری هیئت رهبران در کلیسا

با بکارگیری جمعی از ایمانداران به عنوان هیئت رهبران قادر خواهیم بود از مانعی به اسم کمبود رهبر در راستای رشد و توسعه کلیسا، دوری کنیم. آیا نحوه توسعه کلیسا را در کمبوج بیاد دارید که چگونه هیئت رهبران کلیساهای جدید از هفت نفر ایماندار تشکیل شده بودند؟ این روش در کار توسعه کلیسا چیزی عادی می‌باشد و حسن آن به ایجاد رهبریت نیرومند برای کلیساهای جدید است.

۹. تعلیم رهبران در حین خدمت

سعی کنید از اعزام رهبران برای دوره‌های الهیات دراز مدت که باعث متوقف شدن خدمتشان می‌شود، دوری کنید. دوره‌های آموزش الهیات آمیخته با خدمت به مراتب مؤثرتر است. برای نمونه می‌توان دوره آموزش را به یک ماه درس و دو ماه خدمت تقسیم بندی کرد، یا می‌توان آموزش را به هشت قسمت دو هفته‌ای تقسیم کرده و آن را ظرف مدت چند سال به اتمام رساند. با این کار تعلیم فراگرفته شده تا آخر عمر در ذهن ایمانداران باقی خواهد ماند. فرستادن ایمانداران برای تحصیلات عالی الهیاتی به نفع کلیسا می‌باشد، اما باعث متوقف شدن موج گسترش کلیسا که در حال رشد می‌شود.

۱۰. نمونه، همکاری، نظارت، عزیمت

مبشر زبردست همیشه با خود در حال مبارزه است. در هر فردی این وسوسه وجود دارد که «خودم انجام دهم بهتر است تا از این تازه واردین بخواهم». انتقال مسئولیت به دیگران برای عده‌ای سخت و غیر قابل هضم است، چرا که شخص از خدمت به مردم و شبانی لذت می‌برند.

اگر از همان ابتدای آغاز مبشر مسئولیت‌ها را به دیگران بسپارد، در انتها هنگام عزیمت با مشکل «چه کسی مسئول کار خواهد بود» کمتر مواجه خواهد شد. با ارائه الگوی پرستش کلیسایی و اداره جلسات و سپس کمک به اعضا جهت اداره جلسات باعث انتقال مهارت مبشر به جمع جدید نوایمان می‌شود. (دوم تیموتاوس ۲:۲۲)

کار تشکیل کلیسا زمانی تمام می‌شود که مبشر و یا بانی کلیسا بتواند به راحتی کنار رود. آن زمان است که پیشرفت کلیسا تضمین می‌شود.

فصل ۶ سؤال و جواب

سؤال و جواب‌های آمده در این فصل در حین گفتگو با مبشرین صورت گرفته است.

۱. ساختمان کلیسا و مدارس الهیات

وجود ساختمان کلیسا و مدارس الهیات به رشد کلیسا کمک می‌کند، اما در عین حال گاهی باعث توقف گسترش کلیسا می‌شود. زمانی که جمع ایماندار خودشان نیاز به ساختمان برای عبادت و یا مدرسه و یا درمانگاه را حس می‌کنند، این نشانه بلوغ و رشد کلیسا است. زمانی که این ساختمانها توسط مؤسسات و یا کلیساهای دیگر در اختیار جمع ایماندار غیرآماده قرار می‌گیرد، ساختمان‌ها باعث می‌شود افکار و انرژی ایمانداران روی نگهداری و تعمیرات ساختمان متمرکز شود و از هدف و خدمت اصلی کلیسا انحراف پیدا کنند.

وقتی به ایمانداران ابتدای مسیحیت نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که در آغاز آنها محل پرستشی به جز خانه‌هایشان نداشتند. بعد از گذشت سال‌ها نیاز به داشتن محلی برای پرستش را حس کرده و دست به تهیه و ساخت محل‌های عبادت زدند.

وجود ساختمان کلیسا و مدارس
الهیات به رشد کلیسا کمک می‌کند، اما
در عین حال گاهی باعث توقف گسترش
کلیسا می‌شود.

هر گاه در مدت زمان کوتاه ساختمانی را در اختیار جمع نوایمان
قرار می‌دهیم، ساختمان باری بر دوش آنها می‌شود.

۲. کار گروهی

بشارت به صورت گروهی همانند مطالب دیگر که راجع به آنها
صحبت کردیم بنوبه خود متوقف کننده گسترش کلیسا نیست. اگر اعضای
گروه هر کدام متوجه شوند که پرورش و رونق کلیسا هدف گروه است،
موفقیت آنها دور از دسترس نیست. اما اگر قرار باشد هر عضو برای کسب
کامیابی‌های شخصی خود کار کند، بطبع زحمات به شکست ختم می‌شود.
زمانی که درون نگری فردی در اعضای گروه می‌میرد و رهبریت عیسی مسیح
جایگزین خودنمایی و کامیاب‌های شخصی می‌شود، موفقیت گروه در
گسترش و رونق کلیسا دور نخواهد بود.

۳. آیا موج گسترش کلیسا باعث بوجود آمدن اندیشه‌های نادرست نمی‌شود؟

منتقدین عنوان می‌کنند که موج گسترش کلیسا باعث ترویج عقاید
نادرست می‌شود. شاید این مطلب صحت داشته باشد، اما قطعی نیست. هنگام
برخورد با چنین مشکلاتی با برگزاری چند دوره دروس اعتقاد مسیحی امکان
اصلاح چنین مشکلاتی وجود دارد. در هر صورت تاریخ کلیسا نشان می‌دهد
که گاهی درمان درد، سخت‌تر از خود بیماریست. اولین مدرسه الهیات در
اسکندریه واقع در مصر نشان داد که مدارس الهیاتی می‌تواند هم عامل رشد
عقاید صحیح و هم غلط باشد، در نتیجه وقوع چنین حوادثی برای جهان امروز
ما صادق است.



کلید تمام اصول اعتقاد مسیحی همانا «کلام خدا» ست. با نگاهی به مسیحیت قرن اول متوجه می‌شویم که آنها فاقد هرگونه مدرسه و آموزشگاه الهیاتی بودند و تعالیم آنها فقط به صورت: «ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند» (متی ۲۸:۲۰). از این فرمان روش‌های مختلف شاگردسازی و تعلیم اقتباس می‌شود. امروزه چالشی که مسیحیان قرن اول با آن روبرو بودند، برای ما کمی تغییر کرده است، اما عمل کرد ما نسبت به این چالش‌ها می‌بایست همان عملکرد مسیحیان اولیه باشد تا بقای ادامه تعلیم دستورات مسیح را تضمین کند.

۴. با بچه‌ها چه کنیم؟

بسیاری از مبشرین و خادمین کلیساها نحوه کار کلیساهای خانگی و سلولی را زیر سؤال برده‌اند. سؤال مشترک مطرح شده جایگاه خردسالان و نوجوانان در این نوع کلیساهاست. چرا که این نوع کلیساهای مانند کلیساهای دیگر فاقد کانون شادی و دروس برنامه ریزی شده‌اند. راه حل این است که از ایمانداران بعنوان داوطلب و یا حتی از جوانان بزرگسال بعنوان معلم استفاده کنیم. گاهی کلیساهای خانگی وسوسه شده و تلاش خود را روی افزایش اعضاء متمرکز می‌کنند که در آینده بتوانند کلیسای خود را به چند کلیسا

تبدیل کنند، اما اگر تمرکز کلیسا روی شاگرد سازی باشد این مشکل حل شدنی است.

موضوع بچه‌ها مشکلی است که در سراسر دنیا با آن مواجه هستیم و هر کس نظر و راه حلی را ارائه می‌دهد. در عین حال موضوع بچه‌ها همانند گسترش کلیسا دارای چالشهای بسیاری است که نیاز به پشتکار، امتحان روشهای مختلف و اقتباس از کارهای دیگران است.

۷. آیا می‌توانیم از سرنو شروع کنیم؟

بعضی از خادمین بعد از مطالعه و بررسی عمیق در گسترش کلیسا دریافته‌اند که از مسیر حرکت خود خارج شده‌اند و در شک و تردید بسر می‌برند که آیا کار را دوباره از اول شروع کنند یا نه! جواب این سؤال خیلی ساده است. بله! امکان این کار وجود دارد. اما این نکته را باید در نظر داشت که در اوایل کار اصلاح اشتباهات امان‌پذیر است و می‌توان جهت حرکت را به وضعیت صحیح برگرداند. موج گسترش کلیسا فرمول و برنامه نیست که برای ایجاد آن مراحل را یکی بعد از دیگری انجام دهیم. در هر مقطعی می‌توان عوامل متوقف‌کننده را برداشت و عوامل موثر را تقویت کرد. این مطلب باید قوت قلبی برای آن عده که مایل به دیدن حرکت گسترش کلیسا هستند، باشد.

فصل ۲ موانع موج گسترش کلیسا

موج گسترش کلیسا عمل خداوند است، اما باعث شگفتی است که تا چه اندازه آدمی می‌تواند در آن دخالت کند. خداوند به انسان‌ها اجازه می‌دهد که همکاران او روی زمین باشند. او در گسترش کلیسا به ما اجازه می‌دهد تا نقش مجری را داشته باشیم و یا به ما حکمت دید موانع پیشرفت کلیسا را می‌دهد. این بسته به خواست و اراده اوست. خادمینی که در گسترش کلیسا فعالیت داشته‌اند، قادر به شناسایی موانع انسان‌ساز شده‌اند. موانعی که گاهی باعث توقف و یا کندی کار کلیسا می‌شود. هر چند آدمی نمی‌تواند به قوت خود کلیسا را گسترش دهد، اما قادر است اقداماتی انجام دهد که لاقط موانع را رفع کرده تا گسترش کلیسا در نطفه خفه نشود. اگر اجازه دهید چند نمونه از این موانع آشکار را با شما در میان بگذاریم.

۱. نیازهای اضافی برای تشکیل کلیسا

زمانی که هیئت‌های بشارتی و یا شورای کلیسا سعی می‌کنند تا برای جمعی از ایمانداران بی‌تجربه احتیاجات غیر ضروری از قبیل زمین، ساختمان کلیسا، آموزشگاه و حقوق برای خادمین فراهم کنند، در حقیقت موجب توقف گسترش کلیسا می‌شوند. گاهی مبشرین با نیت پسندیده افکار و روش‌های اداره کلیسا را به جمع مؤمنینی که هنوز شکل کلیسا را به خود نگرفته تزریق می‌کنند و این اجازه را به جمع نمی‌دهند که خود راه حل‌ها را

پیدا کنند. در هر صورت گاهی نیازمندی‌هایی از قبیل ساختمان، حقوق برای خادمین و غیره می‌تواند هم‌چون باری بر دوش ایمانداران باشد و موجب توقف تولید کلیسایی گردد.

۲. کنار گذاشتن آداب و رسوم

وقتی افراد برای ایمان آوردن به مسیح بایستی فرهنگ جدیدی را جایگزین فرهنگ بومی خود کنند، کلیسا از رشد اصلی باز می‌ماند. در سراسر دنیا ملاحظه می‌کنیم که فرهنگ و رسوم ایمانداران با آداب و رسوم محیط اطرافشان فرق دارد و چون عده‌ای جدای از محیط اطرافشان رفتار می‌کنند. (توجه داشته باشید که در این جا راجع به الگوی رفتاری، نوع لباس و طرز آداب و معاشرت و غیره صحبت می‌کنیم و منظورمان شئون اخلاقی نیست. برای نمونه در جامعه‌ای که کسی کراوات نمی‌زند، مسیحیان بنا به تقلید از غرب کراوات می‌زند و به این ترتیب خود را از جدا جامعه می‌دانند. مترجم)

در بسیاری از نقاط دنیا گسترش کلیسا به مبارزه با آداب و رسوم مردم تبدیل شده است و بسیاری از مبشرین و مسیحیان به جای تسخیر قلب انسان‌ها، فرهنگ و آداب و رسوم مردم را عوض می‌کنند. اگر رفتار مبشرین طوری باشد که مردم برای مسیحی شدن مجبور باشند که فرهنگ آنها را بپذیرند، امکان نشر انجیل در بین آن مردم خیلی کم است.

۳. غلبه بر اثر بد عده‌ای از مسیحیان

متأسفانه پراکندگی خبر خوش در سراسر نقاط دنیا گاهی باعث بوجود آمدن کلیساهای شده که نمونه‌های خوبی برای کلیسای مسیح نیستند. بشارت انجیل در چنین مکان‌هایی که کلیسا مژده نجات را به مردم نرسانده و به جایش درگیر رفتار غیراخلاقی شده است، کاری دشوار است. مردم غیرمسیحی که شاهد چنین رفتاری از مسیحیان بوده‌اند، باور نمی‌کنند که مسیحیت، پاکی و قدوسیت را به ارمغان می‌آورد.

شاید بعضی از کردار مسیحیان غیراخلاقی نباشد اما از ترقی کلیسا جلوگیری می‌کند. وقتی که مسیحیان کلیسایی ضرورتی در اعلان مژده نجات

نمی‌بینند، به طبع نوایمانان چنین کلیساهایی همان رفتار را داشته و بشارت نخواهند داد و شاهدان مسیح نخواهند بود.

۴. الگوی کلیسای غیر فعال

در هر کجا که بیشترین هسته کلیسا را بین مردم غیر فعال بنیان گذاری کرده اند، مردمی که کار امروز را به فردا موکول می‌کنند، کلیسا در آنجا پیشرفت نکرده است. هنگام برخورد بیشترین با چنین افرادی حس می‌کنند که اگر کار را خودشان به تنهایی انجام دهند، راحت‌تر و سریع‌تر خواهر بود. هنگام مواجه شدن با مشکلات، ساده‌تر است که طبق روش خودشان عمل کنند تا اینکه راه حلی مطابق با آداب و رسوم مردم محل پیدا کنند. گاهی مسائل پیش پا افتاده مثل نوع صندلی‌های کلیسا و دستگاه آمپلی‌فایر و غیره هستند، اما در واقع این مسائل پیش پا افتاده در جای حساس می‌باشند.

گسترش کلیساهای بومی هر قوم همیشه با آداب و رسوم همان قوم هماهنگی دارد. برای نمونه اگر خانه‌های اهالی روستا از چوب ساخته شده است در نتیجه ساختمان کلیسا نیز از جنس چوب خواهد بود. در مناطق شهرنشین کلیساهای خانگی و سلولی از ساختار «خانواده» سرمشق می‌گیرد تا «انجمن»‌ها. به طبع کلیساهای ساختار انجمن‌ها نیازمند ساختمان با هزینه‌ای بالاست که فقط برای جلسات پرستشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. افرادی که در خدمت گسترش دادن کلیسا هستند در هر قدم این سؤال را از خود می‌پرسند: «آیا این مردم قادرند خودشان به تنهایی این کار را انجام دهند؟» اگر جواب این سؤال منفی باشد در نتیجه آن عامل کنار گذاشته می‌شود.

۵. کمک‌های مالی وابستگی می‌آورد

پول چیز بدی نیست. زمانی که حق جویان و نوایمانان قادر نیستند روی پای خود بایستند، پول نقش حیاتی دارد. در بسیاری از موارد کمک‌های مالی دیگران باعث رونق کلیسا و آشنایی مردم با پیام عیسی مسیح شده است.

اما مشکل زمانی شروع می شود که نوایمانان به کمک های دیگران وابسته شده و باعث رکود کلیسا می شود.

بهترین روش استفاده از کمک های مالی می تواند برای مخارجی از قبیل بشارت به شهرهای که هنوز مژده انجیل به آنجا نرفته، ترجمه و چاپ انجیل، تولید و پخش برنامه های رادیویی، تکثیر فیلم عیسی، برنامه های تلویزیونی، توزیع نوارهای صوتی و غیره باشد. کمک های مالی همچون خرید ساختمان، کمک مالی به شبانان حتی با نیت خوب گاهی باعث محدود شدن گسترش کلیسا می شود.

۶. انتظارات بیش از اندازه از رهبران

در عهد جدید خصوصیات رهبران به روشنی عنوان شده است. وقتی انتظار مسئولین کلیسا (با نیتی پاک و مقدس) نسبت به انتخاب رهبران جدید فراتر از حد کتاب مقدس می رود، در حقیقت کار پیشرفت کلیسا به تأخیر می افتد.

در انجیل نحوه انتخاب شاگردان توسط عیسی مسیح (متی ۲۲:۴-۱۸) و همچنین انتخاب اسقف و شماسان توسط پولس رسول (اول تیموتاوس ۳) آمده است. نکته جالب اینجاست که داشتن قلبی تشنه خدمت و پیروی از عیسی مسیح با ارزشمندتر از هر نوع دورهای الهیاتی و غیره است.

۷. اندیشه، ترتیب و انجام

برای خادمان امری طبیعی است که به گسترش کلیسا به صورت فرمول ریاضی نگاه کنند. برای مثال وقتی مبشری به مکانی جدید می رود، اول زبان محلی و آداب و رسوم را فرا می گیرد، بعد با مردم آنجا رابطه دوستی برقرار می کند، سپس مژده نجات را به مردم می دهد، بعد شاگردسازی و بعد از آن کلیسا را تشکیل می دهند و عده ای را به عنوان رهبر انتخاب کرده و آنان را تعلیم داده و بالاخره از آنجا به مکانی دیگر جهت برپایی کلیسای دیگری می رود. در هر صورت مبشرینی که توانسته اند در تشکیل کلیسا آن هم به شکل وسیع نقش موفقی داشته باشند روش دیگری را بکار می برند.

پافشاری این عده این است که از همان روز اول باید بشارت داد، حتی وقتی شخصی به مملکت دیگری می‌رود نیاز ندارد که زبان محلی را استادانه صحبت کند تا بتواند بشارت انجیل را به دیگران دهد، می‌بایستی از همان ابتدا مسیح را موعظه کرد، هنگام تعلیم به جای اینکه منتظر بمانیم تا مردم مسیحی شوند و بعد آنان را تعلیم دهیم، ضروریست که از همان ابتدا تعلیم مسیح را به آنها آموزش داد. زمانی که این عده به مسیح ایمان آوردند، در عین حال که در کلیساهای خانگی حضور بهم می‌رسانند، بینش برپایی کلیساهای جدید را نیز فرا می‌گیرند. این نکته مهم است که تمام عامل‌های گرد هم آوردن مؤمنین را کنار هم قرار داد تا بدین وسیله پیشرفت کلیسا را گسترش داد.

۸. کلیسای ایستا و پویا

بطور کلی می‌توانیم کلیساهای را در دو گروه قرار دهیم، کلیسای ایستا و کلیسای پویا. کلیسای ایستا، کلیساهای هستند که در مکان خود آرام و آسوده نشسته و منتظرند تا مردم سراغ آنها بیایند. آنها انتظار دارند که مردم به جمع آنان آمده و تمام آداب و معاشرت آنها را پیروی کند. اما کلیسای پویا به جای بی‌حرکت ماندن و منتظر آمدن مردم به کلیسا، به منزل غیرایماندار برای تعلیم اندرزهای عیسی مسیح می‌روند. آنها حاضرند روش زندگی خود را عوض کنند تا بتواند هم‌رنگ مردم شده تا انجیل مسیح را به آنان بشارت دهند. شاید گاهی هویت خود را نیز از دست می‌دهند تا بتواند مردم را به خانواده خدا راهنمایی کنند.

در طبیعت دو جاندار وجود دارد که روش زندگی آنها مخالف یکدیگر است. وزغ همیشه در جایی آرام، راحت و بدون حرکت منتظر آمدن شکار می‌نشیند. این بی‌حرکتی وزغ موجب چاقی او می‌شود. اما مارمورک برعکس وزغ عمل می‌کند، او به دنبال شکار از هر پیچ و خمی عبور می‌کند و هر لحظه آماده عکس العمل است. اگر کلیسا خود را صیاد جان‌ها می‌داند بایستی همچون صیاد به شکار گاه رفته و جان‌ها را برای خداوند صید کند.

۹. تدبیر در تجویز

بعد از تمام تعلیم داده شده در این کتاب، عجیب به نظر می‌رسد که خادمین را از الگوهای از قبل ساخته شده هشدار دهیم. در هر صورت کسانی که در موج گسترش کلیسا در حال خدمت هستند، باید شدیداً کنجکاو باشند تا محل و نحوه فعالیت روح خدا را کشف کنند. زمانی که شخص خادم به جای تشنگی در درک نحوه کار خدا در بین مردم با کوله‌باری از جواب‌ها وارد خدمت می‌شود، در واقع خدمت خود را محدود می‌کند. «بهتر است چیزی ندانی» این نکته چندان تشویق کننده نیست، اما باعث اتکاء شما به خداوند و درک نقشه خدا برای گسترش کلیسایش می‌شود.

فصل ۸ چند فوت و فن برای تنظیم کار

در حالی که ما چندین نمونه از نحوه گسترش کلیسا در سطح جهان را بررسی کردیم، چندین فعالیت کلیسایی دیگر وجود دارد که ما آنها را «به مو بنده» می خوانیم. بسیاری از این فعالیت های بشارتی تمام صفات و خصوصیات پیشرفت و ترقی کلیسا را دارند، اما در عین حال دارای صفات دیگری نیز می باشند که باعث از بین رفتن همه چیز می شود.

یکی از این نمونه ها کلیسای ترکیه می باشد که در عرض پنج سال گذشته ده ها هزار نفر به عیسی مسیح ایمان آورده اند. در حالی که در سال



۱۹۹۲ فقط تعداد ۵۰ نفر ایماندار بین جمعیت چندین میلیون نفری وجود داشت. در سال ۱۹۸۹ مبنی برای مسئولیت بشارت گمارده شد که ایشان با گردهم آوردن گروه‌های مبشر و گروه‌های دعا، خدمت خود را آغاز کرد. در سال‌های اولیه، کار به کندی پیش می‌رفت اما اواخر سال ۱۹۹۵ بود که همه چیز عوض شد و مردم به ندای مسیح پاسخ مثبت دادند. در پایان سال ۱۹۹۶ کلیساها خبر تعمید بیش از ۱۵/۰۰۰ نفر را دادند.

در حال حاضر درصد ایمان آوردن ترک‌ها مثل گذشته تکان دهنده نیست، اما تعداد بین ۲۰/۰۰۰ الی ۳۰/۰۰۰ نفر بزرگسال به جمع ایمانداران پیوسته‌اند. علت پایین آمدن رقم این است که رشد ایمان آوردن مردم آنچنان سریع بود که کلیساها مکان‌های جدید پرستشی برای نوایمانان فراهم نیاوردند. این کمبود باعث بوجود آمدن هزاران ایماندار بی کلیسا و بی سرپرست و بی دفاع شده است.

هنوز دیر نشده، خادمین و مسئولین کلیساهای ترکیه می‌توانند با برقراری کلیساهای خانگی و تعلیم ایمانداران برای رهبری کلیساهای خانگی مشکل را برطرف سازند و نوایمانان بی کلیسا را به کلیسا بیاورند و موج گسترش کلیسای ترکیه را احیا کنند.

طایفه مسلمانی از آفریقا نیز در چنین موقعیتی قرار گرفته است. پخش برنامه‌های رادیویی و فیلم عیسی موجب شد که حدود ۱۵/۰۰۰ نفر به عیسی ایمان آوردند. با وجود این خبر دلگرم کننده فقط ۳۰ کلیسا در این ناحیه وجود دارد. اگر به زودی الگوی کلیسایی به آنها داده نشود این نوایمانان از بین خواهند رفت. آنها نیازمند الگوی کلیسایی هستند که باعث ایجاد کلیساهای دیگر شود.

مشابه این نوع کلیساهای «به مو بنده» در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارد، در حالی که امکان انجام کارهای بزرگتری وجود دارد عده‌ای از خادمین، میانه روی را اختیار می‌کنند و کارهای بزرگتر را انجام نمی‌هند. این عده صادقانه ده‌ها سال مردم را خدمت کرده و پایه‌های کلیسا را برقرار می‌کنند. مردم به صدای انجیل پاسخ می‌دهند، اما ورود تازه واردین به ملکوت خدا به کندی پیش می‌رود و رشد کلیسا یکنواخت است. لطفاً این

موضوع را با موج گسترش کلیساها اشتباه نگیرد. امروزه روال رشد کلیساها نمی تواند حتی با رشد جمعیت دنیا مطابقت کند.

آیا در چنین موقعیت جهانی پیشرفت و گسترش کلیساها امکان پذیر است؟ خدا می داند! در عین حال مبشرین مجرب عنوان می کنند که با اندکی ظرافت در کار می توان نتیجه مطلوبی بدست آورد. در مواردی که زمان بذرافشانی تا ثمر رسانی به درازا می کشد، برای مثال می توان کار بذرافشانی تا تشکیل کلیسا را مجدداً تکرار کرد. چند پیشنهاد برای افزایش سرعت در کار را خدمتان ارائه می دهیم:

اگر برای کاشتن کلام خدا در دل مردم، کتاب مقدس را خلاصه وار از ابتدا تا انتها بازگو می کنید، به خاطر داشته باشید که نحوه پایان داستان به تنهایی اصل نیست بلکه خود این روش اصل است. نحوه ارائه داستان را می توان همیشه اقتباس گرفته و آن را بهسازی کرد. سعی کنید وقایع کتاب مقدس را در بین پنج الی ده قسمت تهیه کنید. لازم است در این برنامه هم کلام در دل حق جو کاشته و هم از شنونده دعوت به قبول حق انجام گردد. به دنبال این برنامه می توانید برنامه مشابه دیگری به منظور شاگردسازی



تهیه کنید. زمان این برنامه شاگردسازی می‌بایستی طولانی‌تر از برنامه بشارتی باشد.

شما می‌توانید زمان هر جلسه را بنا به نیاز و ظرفیت مخاطبین خود تغییر دهید. گاهی ارائه این برنامه از آفرینش تا روز دآوری مدت ۱۱۰ هفته طول خواهد کشید. به این ترتیب زمان شکل‌گیری کلیسا ارتباط مستقیم با مدت زمان برنامه طراحی شده دارد.

در همین راستا تصور کنید چه اتفاقی می‌افتد اگر برنامه بشارتی ۱۲ هفته‌ای را در عرض ۱۲ شب متوالی برگزار کنید. به خاطر داشته باشید که «زمان» و «از سر نو» از مشخصه‌های مهم موج گسترش کلیسا می‌باشد. گاهی لازم است با گفته «سرعت کیفیت کار را از بین می‌برد» مقاومت کرد. فرق بین سرعت در انجام کار و سرسری کار کردن، زمین تا آسمان است و این گفته چندان حقیقت ندارد که ملتی که آهسته در این راه قدم بر می‌دارد موفق‌ترند.

شما حتی می‌توانید با افزایش بار مسئولیت نوایمانان در امر بشارت به سرعت کار بیفزایید. در موج گسترش کلیسا، شاگردسازی و تعلیم رهبری امری مداوم است. کلیسا دارای سطح و درجه نیست که لازم باشد هر فرد از سطحی به سطح دیگر ارتقا یابد تا بتواند در بشارت دادن کلام خدا شرکت داشته باشد. آیا نوایمان هندی را به خاطر دارید که چگونه ۴۲ کلیسا را در عرض یک سال برپا کرد؟ کسی به این برادر نگفت که صلاحیت و یا آمادگی این مسئولیت را دارد.

و بالاخره گاهی اتفاق می‌افتد که مبشر در ناحیه خدمتی خود هیچ یک از مشخصه‌های گسترش کلیسا را مشاهده نمی‌کند، آن زمان چکار باید کرد؟

برای مشاهد عوامل و موانع در امر پیشرفت کلیسا زمان درازی لازم است. در نظر بگیرید که وقتی در داخل قایق کوچکی سنگی قرار دهید هیچ اتفاقی نمی‌افتد، اما با ادامه این کار بتدریج وزن سنگ‌ها افزایش می‌یابد و ناگهان قایق در آب فرو می‌رود. همین عمل در کار کلیسا نیز صدق می‌کند. با پیاده کردن بی‌وقفه عوامل بریایی کلیسا و در عین حال شناسایی موانع و

موج گسترش کلیسا

غیره شاید روزی ناگهان زمین به ظاهر بی حاصل و خشک به محیطی پر ثمر و فعال تبدیل شود.

فصل ۹ موج گسترش کلیسا برای جهان

حقیقتاً خداوند نشان داده است که در حال بیدار کردن انسان‌ها می‌باشد، فعالیت او آنچنان چشم‌گیر است که اگر ما به چشمان خود آن‌را نبینیم باورمان نخواهد شد (حقوق ۱:۵). این کار عظیم خدا را موج گسترش کلیسا می‌نامیم. موج گسترش کلیسا با مرزهای جغرافیایی و طبقات نژادی محدود نمی‌شود. پروردگار هستی نشان داده که قادر است در قلب شخص شهری یا روستایی، باسواد و بی‌سواد در هر قاره‌ای از دنیا با هر مذهبی که داشته باشد، کار کند. در این ارتباط جهانی، خدا بشر را برای آشتی توسط عیسی مسیح به‌سوی خود می‌خواند.

در حالی که روح خدا بین مردم جهان در حال فعالیت است، ما را برای همکاری با خودش فرا می‌خواند. اگر به او لبیک گوئیم، شاید از روی محبتش اجازه دهد پیشرفت کلیسا را مشاهده کنیم.

در عرض پنج سال گذشته در پنج منطقه مختلف دنیا ۲۵۰ هزار گمشده به عیسی مسیح ایمان آوردند. هیجان ما نباید از ارقام باشد، هر چند که رقم‌ها نمایانگر تعداد افرادی هستند که زندگی تازه را در عیسی مسیح چشیده‌اند. هیجان ما باید این باشد که خدا عده‌ای از ما را به‌عنوان همکار در این راه برگزیده است، ما به‌عنوان ابزاری در دستان او این معجزه «نجات بشر» را در بین ملت‌ها گستره می‌کنیم. دوندگان ماراتون همیشه رقابتشان را با شور و شوق فراوان آغاز می‌کنند، این احساسی است که تمامی دوندگان قبل از شروع مسابقه دارند (چه نفر اول و چه نفر آخر). در مسیر ماراتون بعضی از

دوندگان با درد و خستگی به خط پایان می‌رسند. برای این دسته از قهرمانان چیزی دلشادتر از دیدن پیچ آخر نیست. وقتی آنها از دور پیچ آخر را می‌بینند، تمام انرژی خود را منسجم کرده و با سرعت هر چه تمام‌تر به سوی خط پایان به پیش می‌روند.

بدن عیسی مسیح (کلیسا) حدود ۲۰۰۰ سال است که خود را در این میدان به جلو می‌راند. در بین راه بسیاری خسته شده و عده‌ای از مسیر اصلی منحرف شده‌اند و عده‌ای دیگر به جای سریع دویدن در این میدان از رشد کنند کلیسا خرسند هستند.

کلیسای عصر حاضر نشانه‌های پیچ نهایی مسیر خود را دیده است و در این میان خدا مردم را از روح خود پر می‌سازد (اعمال ۲: ۱۷). کسانی که موج‌های گسترش کلیسا را به‌عنوان نشانه‌های دخالت خدا در تاریخ می‌دانند، تلاش‌های خود در این راه افزایش می‌دهند.

به زبانی ساده‌تر، اگر این کار خداست ما می‌خواهیم در این کار شریک باشیم. مشاهده پیچ آخر ما را وادار می‌کند تا نیروی خود را منسجم کرده و هر چه نیرومندتر بدویم.

بنابراین چونکه ما نیز چنین ابر شاهدان
را گرداگرد خود داریم، هر بار گران و
گناهی را که سخت می‌پیچد، دور
بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش
روی ما مقرر شده است بدویم.
عبرانیان ۱۲: ۱

واژه نامه

Church Planter

بانی کلیسا

شخصی مبعوثی که با بشارت‌های هدفدار کلیسا را بین مردم بنیان می‌نهد.

ساختمان کلیسا

مکانی که جهت پرستش و عبادت مسیحیان اختصاص داده شده است.

کلیسا

اجتماع عده‌ای از اهالی که طبق دعوت مخصوصی برای کار معینی خوانده شده و در مکانی گرد هم می‌آیند (ماهیت و مأموریت کلیسا، دانلر ج. میلر ص ۳)

House Church

کلیسای خانگی

جمعی از ایمانداران که تعدادشان بین ۱۰ الی ۳۰ نفر می‌باشد و در مکانهای چون منزل و محل کسب برای پرستش دور هم جمع می‌شوند. این کلیساهای هیچ ارتباطی با هم ندارند و زیر نظارت کسی قرار ندارند.

Cell Church

کلیسای سلولی

جمعی از ایمانداران که تعدادشان بین ۱۰ الی ۳۰ نفر می‌باشد و در مکانهای چون منزل و محل کسب برای پرستش دور هم جمع می‌شوند. این کلیساهای کوچک با هم در ارتباط هستند و اغلب این کلیساهای کوچک همگی با یک هویتی مشخص معرفی می‌شوند. کلیسای «فول گاسپل سنتر سنول» در کشور کره جنوبی یکی از بزرگترین نوع این کلیساهای می‌باشد که مرکب از پنجاه هزار کلیسای کوچک است.

Mission

فعالیت‌های بشارتی

Missionary

مبشر

Church Planting Movements
David Garrison
(Farsi)

Translated by:
Mohammad Sanavi
© Kanone Ketab
www.kanoneketab.com

